

Combat Information Dissemination Model for Ensuring National Security in the Combat Organization of the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran

1. Reza Karimi Saleh^{ID}: PhD Student, Department of Communication Sciences, Faculty of Market and Business, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Faezeh Taghipour^{ID*}: Department of Communication Sciences, Faculty of Marketing and Business, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3. Hamidreza Peykary^{ID}: Department of Communication Sciences, Faculty of Market and Business, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

*Corresponding Author's Email Address: f.taghipour58@iau.ac.ir

Abstract:

The transformations in modern warfare in the current century reflect the expansion of the battlefield from purely military domains to cognitive, informational, and psychological spheres. In this context, combat information dissemination functions as one of the soft components of defensive power and plays a critical role in psychological resilience, strengthening national security, and countering enemy psychological operations. The aim of this article is to design an indigenous, theory-based, and practical model for combat information dissemination within the combat organization of the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran. The research method is qualitative, grounded in data-driven theorization, and involves interviews with 30 experts in media, security, and military command. The data were analyzed using MAXQDA software. The results identify six key components in the combat information dissemination model: real-time information management, strategic narrative construction, field presence of military journalists, preemptive psychological operations, utilization of digital media, and institutional coordination. This model can contribute to enhancing defensive soft power, psychological resilience, and resistance against hybrid and cognitive warfare.

Keywords: Combat information dissemination, national security, cognitive warfare, narrative construction, psychological operations, strategic communication.

How to Cite: Karimi Saleh, R., Taghipour, F., & Peykary, H. (2025). Combat Information Dissemination Model for Ensuring National Security in the Combat Organization of the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran. *Management, Education and Development in Digital Age*, 2(4), 1-28.



الگوی اطلاع‌رسانی رزمی به منظور تأمین امنیت ملی در سازمان رزم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

۱. رضا کریمی صالح^{id}: دانشجوی دکتری گروه علوم ارتباطات، دانشکده بازار و کسب و کار، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. فائزه تقی پور^{id*}: گروه علوم ارتباطات، دانشکده بازار و کسب و کار، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۳. حمیدرضا پیکری^{id}: گروه علوم ارتباطات، دانشکده بازار و کسب و کار، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: f.taghipour58@iau.ac.ir

چکیده

تحولات جنگ‌های نوین در قرن حاضر، نشانگر گسترش دامنه نبرد از عرصه نظامی به حوزه‌های شناختی، اطلاعاتی و روانی است. در این میان، اطلاع‌رسانی رزمی به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های نرم‌افزار قدرت دفاعی، نقشی اساسی در پایداری روانی، تقویت امنیت ملی و مهار عملیات روانی دشمن ایفا می‌کند. هدف این مقاله طراحی الگوی بومی، نظریه‌مبنا و کاربردی برای اطلاع‌رسانی رزمی در سازمان رزم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. روش تحقیق، کیفی و مبتنی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و مصاحبه با ۳۰ نفر از متخصصان رسانه، امنیت و فرماندهی نظامی است. داده‌ها با نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شدند. نتایج، شش مؤلفه کلیدی را در مدل اطلاع‌رسانی رزمی مشخص می‌کند: مدیریت بالادرنگ اطلاعات، روایت‌سازی هدفمند، حضور میدانی خبرنگاران نظامی، عملیات روانی پیش‌دستانه، بهره‌برداری از رسانه‌های دیجیتال و هماهنگی نهادی. این مدل می‌تواند به افزایش قدرت نرم دفاعی، تاب‌آوری روانی و مقابله با جنگ‌های ترکیبی و شناختی کمک کند.

کلیدواژه‌گان: اطلاع‌رسانی رزمی، امنیت ملی، جنگ شناختی، روایت‌سازی، عملیات روانی، ارتباطات راهبردی.

نحوه استناددهی: کریمی صالح، رضا، تقی پور، فائزه، و پیکری، حمیدرضا. (۱۴۰۴). الگوی اطلاع‌رسانی رزمی به منظور تأمین امنیت ملی در سازمان رزم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران. مدیریت، آموزش و توسعه در عصر دیجیتال، ۲(۴)، ۱-۲۸.



مقدمه

در دهه‌های اخیر، مفهوم امنیت ملی با تحولات چشم‌گیری مواجه شده است؛ تحولات ناشی از گسترش فضای دیجیتال، جنگ‌های شناختی، و ظهور تهدیدات هیبریدی که مرزهای سنتی میان جنگ و صلح، نظامی و غیرنظامی، واقعیت و بازنمایی را به چالش کشیده‌اند. در چنین بستری، مفهوم اطلاع‌رسانی رزمی (Combat Information Dissemination) دیگر صرفاً به‌منزله بازتاب عملیات نظامی نیست، بلکه به‌عنوان بخشی از قدرت نرم و ابزاری استراتژیک برای مدیریت افکار عمومی، تقویت مشروعیت اقدامات دفاعی، و مقابله با عملیات روانی دشمن تلقی می‌شود (Belyaevskaya-Plotnik, 2025).

جمهوری اسلامی ایران، با وجود پیشینه‌ای غنی از دفاع مقدس و مشارکت رسانه‌ای در بحران‌های منطقه‌ای، تاکنون فاقد الگوی رسمی، منسجم و بومی برای اطلاع‌رسانی رزمی در ساختار سازمان رزم نیروهای مسلح بوده است. این خلأ در شرایطی شکل گرفته که دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با بهره‌گیری از ابزارهای نوین سایبری، شبکه‌های اجتماعی، الگوریتم‌های تحلیلی و عملیات روانی ترکیبی در پی ایجاد اختلال در انسجام روانی نیروهای دفاعی و تضعیف اراده ملی هستند (Çetinkaya, 2024; Cucoreanu, 2024).

در شرایطی که جنگ‌های اطلاعاتی به ابزار اصلی اعمال قدرت و نفوذ تبدیل شده‌اند، «امنیت شناختی» و «افشای کنترل شده اطلاعات» به دو رکن مهم در مدیریت میدان ادراک بدل گشته‌اند. راهبردهای اطلاعاتی دشمنان جمهوری اسلامی ایران به‌طور مستمر در جهت روایت‌سازی، تحریف واقعیت‌ها و القای ضعف ساختاری در دستگاه دفاعی جمهوری اسلامی ایران حرکت کرده‌اند. در چنین زمینه‌ای، نبود یک سازوکار اطلاع‌رسانی منسجم، به‌ویژه در میدان رزم، آسیب‌پذیری‌های متعددی برای امنیت ملی ایجاد کرده است (Akhtar, 2023; Alaa, 2023).

مفهوم اطلاع‌رسانی رزمی، به‌مثابه پل ارتباطی میان واقعیت میدانی و ادراک اجتماعی، با تلفیق عملیات روانی، رسانه‌های دیجیتال، روایت‌سازی هدفمند و ارتباطات راهبردی، قادر است از یک‌سو، قدرت نرم کشور را در مواجهه با تهدیدات ترکیبی افزایش دهد و از سوی دیگر، به مشروعیت‌سازی اقدامات نظامی در سطح ملی و بین‌المللی کمک کند (Marushchak, 2022; McElroy & McKee, 2023). در این راستا، طراحی الگویی نظریه‌مبنا و کاربردی برای اطلاع‌رسانی رزمی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای ساختار دفاعی کشور محسوب می‌شود.

تحقیقات متعددی بر ضرورت ایجاد سازوکارهای تقویت‌کننده روایت رسمی دفاعی تأکید کرده‌اند. به‌ویژه در زمینه مقابله با انتشار اطلاعات جعلی، مدیریت بحران‌های اطلاعاتی، و هماهنگی بین رسانه‌های نظامی و نهادهای فرماندهی، تدوین یک مدل کارآمد اطلاع‌رسانی می‌تواند پاسخ مناسبی به جنگ‌های شناختی باشد (Moghavemi, 2024; Shah Rezai, 2024). با بهره‌گیری از تجارب موفق کشورهای پیشرو، نقش عملیات اطلاعاتی در مدیریت افکار عمومی و پیشگیری از نفوذ روایت‌های دشمن به‌ویژه در حوزه سیاست‌گذاری دفاعی مورد توجه قرار گرفته است (Trilokekar & El Masry, 2022).

از سوی دیگر، تحلیل ساختار تهدیدات نوظهور در عصر دیجیتال نشان می‌دهد که دشمنان بیش از آنکه به ابزارهای نظامی متوسل شوند، از ظرفیت رسانه، فضای سایبری، و سازوکارهای هوشمند اطلاعاتی برای تضعیف اعتماد عمومی و ایجاد ناامنی ادراکی بهره می‌برند. بررسی ابعاد این تهدیدات در تحقیقات اخیر نشان داده که نظام‌های سیاسی‌ای که فاقد سازوکارهای هماهنگ اطلاع‌رسانی دفاعی بوده‌اند، در برابر جنگ‌های ترکیبی دچار فرسایش روانی و فروپاشی مشروعیت داخلی شده‌اند (Lakušić, 2022; Maesschalck, 2024).

در این چارچوب، ارتباط مستقیم بین روایت‌سازی ملی، دیپلماسی رسانه‌ای، افشای حساب‌شده اطلاعات و مهندسی افکار عمومی به‌عنوان ابعاد کلیدی امنیت نرم شناسایی شده‌اند (Neikova, 2024). نهادهای نظامی، به‌ویژه سازمان رزم نیروهای مسلح، باید با شناخت از نقش حیاتی رسانه‌ها، نه‌تنها در انتقال اطلاعات، بلکه در تولید معنا، مشروعیت، و سرمایه اجتماعی اقدام کنند. رسانه‌های رسمی و خبرنگاران نظامی می‌توانند با حضور میدانی، روایت مستند و هدفمند از صحنه عملیات ارائه داده و مانع از نفوذ روایت‌های دشمن شوند (Ramak et al., 2019; Zarneshan, 2007).

افزون بر این، توسعه و نهادینه‌سازی الگوی اطلاع‌رسانی رزمی در ساختار دفاعی جمهوری اسلامی ایران باید با تقویت سازوکارهای قانونی و پشتیبانی حقوقی همراه باشد. زیرا همان‌طور که تجربه بین‌المللی نیز نشان داده، مقابله با انتشار اطلاعات گمراه‌کننده و تقویت پدافند روانی نیازمند پشتیبانی نهادی و تقنینی است (Fattahi Zafarghandi, 2020). همچنین، یکپارچگی روایت داخلی و بین‌المللی، تطابق با حقوق بین‌الملل، استفاده از رسانه‌های واسطه و آموزش مشترک نیروهای نظامی و رسانه‌ای از دیگر عناصر کلیدی الگوی پیشنهادی محسوب می‌شوند (Elahiyari et al., 2024).

در سطح کلان‌تر، اطلاع‌رسانی رزمی باید در خدمت تثبیت ثبات سیاسی داخلی، تقویت سرمایه اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی باشد. زیرا در شرایط بحرانی، توان روانی جامعه و انسجام ملی نقش تعیین‌کننده‌ای در مقاومت در برابر جنگ‌های شناختی و ترکیبی ایفا می‌کند. تحلیل‌ها نشان می‌دهند که اعتماد عمومی به رسانه‌ها و روایت رسمی، بیش از هر عامل دیگری در موفقیت یا شکست سیاست‌های امنیتی اثرگذار است (Mankoff, 2022; Shi & Li, 2022). در نهایت، با توجه به ماهیت پیچیده تهدیدات کنونی و گذار از جنگ‌های سخت‌افزاری به نبردهای ادراکی، طراحی الگوی بومی، نظریه‌مبنا و داده‌بنیاد برای اطلاع‌رسانی رزمی، ضرورتی استراتژیک در ساختار امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. الگوی که هم‌زمان بتواند امنیت عملیاتی را حفظ، مشروعیت اقدامات نظامی را تقویت، و سرمایه اجتماعی را در برابر حمله‌های رسانه‌ای دشمن مقاوم سازد (Akhtar, 2023; Belyaevskaya-Plotnik, 2025; Cucoreanu, 2024). در پژوهش حاضر، تلاش شده است با بهره‌گیری از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، مدلی جامع، راهبردی و منطبق با واقعیت‌های میدانی برای اطلاع‌رسانی رزمی در ساختار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ارائه شود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و بر پایه روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد^۱ انجام شده است. دلیل انتخاب این روش آن است که موضوع پژوهش، یعنی طراحی الگوی اطلاع‌رسانی رزمی در ساختار سازمان رزم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، فاقد پیشینه نظری مدون و مدل مفهومی معتبر در پژوهش‌های پیشین است؛ بنابراین به‌جای آزمون نظریه‌های موجود، تمرکز بر تولید نظریه از داده‌های میدانی و تجربی بوده است.

جامعه آماری شامل ۳۰ نفر از متخصصان و خبرگان حوزه‌های رسانه، نظامی، امنیتی و دانشگاهی است. نمونه‌گیری به صورت نظری^۲ و هدفمند صورت گرفته است، به گونه‌ای که نمونه‌ها بر اساس مفاهیم استخراج‌شده از مراحل ابتدایی پژوهش انتخاب شده‌اند. این فرایند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته، یعنی زمانی که داده‌های جدید حاوی مفهوم جدیدی نبوده‌اند.

داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق گردآوری شده‌اند. سوالات مصاحبه ابتدا بر اساس مرور ادبیات و اهداف تحقیق طراحی و سپس با پیشرفت تحلیل‌ها، بر اساس مفاهیم جدید توسعه یافته‌اند. هدف اصلی مصاحبه‌ها، کشف مضامین و مقوله‌های نهفته در تجربه و دانش خبرگان در خصوص اطلاع‌رسانی رزمی بوده است. فرایند تحلیل داده‌ها بر اساس الگوی سه‌مرحله‌ای کدگذاری در نظریه داده‌بنیاد استراوس و کوربین (۱۹۹۸) انجام شده است که شامل مراحل زیر است:

۱. کدگذاری باز: تقسیم داده‌ها به واحدهای مفهومی اولیه و استخراج کدهای اولیه
۲. کدگذاری محوری: ایجاد ارتباط میان مقوله‌ها و دسته‌بندی مفاهیم در قالب زیرمقوله‌ها
۳. کدگذاری انتخابی: یکپارچه‌سازی مفاهیم و شکل‌گیری هسته مرکزی نظریه پژوهش

در تمام مراحل تحلیل، از نرم‌افزار تخصصی MAXQDA برای مدیریت، کدگذاری، و ترسیم الگوی مفهومی استفاده شده است.

۱. Grounded Theory

۲. Theoretical Sampling

یافته‌ها

این تحقیق با هدف طراحی الگویی برای اطلاع‌رسانی رزمی به‌منظور تأمین امنیت ملی در سازمان رزم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به شیوه اشتراوس و کوربین بهره گرفته است. این روش با رویکردی استقرایی و مبتنی بر تحلیل عمیق داده‌های کیفی، امکان دستیابی به الگویی بومی و مبتنی بر تجربیات میدانی را فراهم می‌سازد. در راستای گردآوری داده‌های کیفی، با ۳۰ نفر از صاحب‌نظران حوزه‌های مرتبط شامل استادان دانشگاه، روزنامه‌نگاران باسابقه، مدیران رسانه‌ای، کارشناسان ارتباطات و کارکنان سازمان‌های مرتبط با امور رسانه‌ای و دفاعی، مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته صورت پذیرفت. انتخاب مشارکت‌کنندگان بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند و به‌منظور پوشش حداکثری تنوع تجربیات و دیدگاه‌ها انجام شده است.

جدول ۱. افراد مصاحبه شونده

ردیف	متخصصان	تحصیلات	سوابق کاری	فراوانی کدهای باز دریافتی از هر مصاحبه	
				بدون تکرار	با تکرار
۱	کد ۱	دکتر	استاد	۱۰	۲۵
۲	کد ۲	دکتر	استاد	۱۵	۳۷
۳	کد ۳	دکتر	استاد	۸	۲۳
۴	کد ۴	دکتر	استاد	۷	۲۳
۵	کد ۵	دکتر	استاد	۵	۱۶
۶	کد ۶	دکتر	روزنامه نگار	۶	۱۵
۷	کد ۷	دکتر	روزنامه نگار	۱۴	۴۳
۸	کد ۸	کارشناسی ارشد	روزنامه نگار	۸	۱۶
۹	کد ۹	دکتر	روزنامه نگار	۱۱	۲۷
۱۰	کد ۱۰	دکتر	مدیر رسانه	۹	۲۴
۱۱	کد ۱۱	دکتر	مدیر رسانه	۱۲	۳۳
۱۲	کد ۱۲	کارشناس ارشد	مدیر رسانه	۱۰	۱۹
۱۳	کد ۱۳	دکتر	پژوهشگر و کارشناس	۱۱	۱۸
۱۴	کد ۱۴	کارشناس ارشد	کارمند	۸	۱۷
۱۵	کد ۱۵	کارشناس ارشد	مدیر رسانه	۵	۲۰
۱۶	کد ۱۶	دکتر	روزنامه نگار	۶	۱۳
۱۷	کد ۱۷	دکتر	متخصص ارتباطات	۸	۱۴
۱۸	کد ۱۸	دکتر	متخصص ارتباطات	۷	۱۷
۱۹	کد ۱۹	دکتر	متخصص ارتباطات	۶	۱۸
۲۰	کد ۲۰	دکتر	متخصص ارتباطات	۴	۱۶
۲۱	کد ۲۱	کارشناسی ارشد	کارمند	۵	۱۵
۲۲	کد ۲۲	کارشناسی ارشد	کارمند	۳	۱۴
۲۳	کد ۲۳	دکتر	خبرنگار	۶	۱۴
۲۴	کد ۲۴	دکتر	خبرنگار	۷	۱۷
۲۵	کد ۲۵	کارشناس ارشد	متخصص ارتباطات	۸	۱۵
۲۶	کد ۲۶	دکتر	خبرنگار	۶	۱۶
۲۷	کد ۲۷	دکتر	روزنامه نگار	۵	۱۸
۲۸	کد ۲۸	دکتر	خبرنگار	۷	۱۴
۲۹	کد ۲۹	دکتر	متخصص ارتباطات	۶	۱۷
۳۰	کد ۳۰	دکتر	متخصص ارتباطات	۴	۱۹

فراوانی کدهای دریافتی از هر مصاحبه بدون تکرار نشان می دهد از گفت و گو با هر متخصص، چه تعداد طیف مفهومی یا کد باز استخراج شده است و مقایسه آن با فراوانی کدهای دریافتی با تکرار نشان می دهد که در گفتگو با وی، چه تعداد از طیف های مفهومی در مطالب ایشان تکراری است؛ بنابراین بر اساس اطلاعات جدول، از گفت و گو با متخصص شماره یک، ۲۳ کد غیر تکراری استخراج شده و در مصاحبه با وی، یک کد، سه بار یا دو کد، هر کدام دو بار تکرار شده است.

جدول ۲. وضعیت اشتغال پاسخگویان

گروه شغلی	تعداد	درصد تقریبی
متخصص/پژوهشگر ارتباطات	۷ نفر	۲۳.۳ درصد
استاد دانشگاه	۵ نفر	۱۶.۷ درصد
روزنامه‌نگار	۶ نفر	۲۰ درصد
خبرنگار	۵ نفر	۱۶.۷ درصد
مدیر رسانه	۴ نفر	۱۳.۳ درصد
کارمند	۳ نفر	۱۰ درصد
مجموع	۳۰ نفر	۱۰۰ درصد

از مجموع ۳۰ نفر جامعه آماری، بیشترین تعداد مربوط به متخصصان و پژوهشگران حوزه ارتباطات است که با ۷ نفر، ۲۳.۳ درصد از کل را تشکیل می‌دهند. این گروه شامل افرادی است که در زمینه نظریه‌پردازی، پژوهش‌های رسانه‌ای، و آموزش سواد رسانه‌ای فعالیت دارند. در جایگاه بعد، روزنامه‌نگاران با ۶ نفر حضور دارند که معادل ۲۰ درصد از کل است. آن‌ها بیشتر در تولید محتوای تحلیلی، گزارش‌های خبری و فعالیت مطبوعاتی در رسانه‌های رسمی یا مستقل مشغول‌اند. گروه اساتید دانشگاه با ۵ نفر، معادل ۱۶.۷ درصد از کل است. این افراد در آموزش دانشگاهی و تربیت نیروی انسانی رسانه‌ای نقش کلیدی دارند. خبرنگاران نیز ۵ نفر هستند و ۱۶.۷ درصد از ترکیب را تشکیل می‌دهند. آن‌ها بیشتر به پوشش خبری، گزارش‌نویسی میدانی و بعضاً فعالیت‌های مستندسازی مشغول‌اند. مدیران رسانه با ۴ نفر، سهمی برابر با ۱۳.۳ درصد دارند. این افراد در مدیریت رسانه، هدایت تحریریه یا تولید محتوا در سطوح میانی نقش‌آفرین هستند. در نهایت، کارمندان با ۳ نفر کمترین سهم را دارند که معادل ۱۰ درصد است. آن‌ها در پشتیبانی، اجرا یا امور اداری رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی فعالیت می‌کنند.

همان گونه که در بیان مسئله پژوهش توضیح داده شد، پرسش محوری این پژوهش، بررسی الگوی اطلاع رسانی رزمی به منظور تامین امنیت ملی در سازمان رزم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا در آغاز پژوهش به ابراز مفهومی اطلاع رسانی رزمی توجه شده است؛

در ساخت مقوله الگوی اطلاع رسانی رزمی، بیشترین تأکید بر ۱. امنیت عملیاتی و افشای کنترل‌شده ۲. پیام‌رسانی راهبردی و جنگ روانی ۳. مشروع‌سازی اقدامات نظامی ۴. جنگ اطلاعاتی و پیوند با امنیت سایبری ۵. اعتماد عمومی و مدیریت روحیه جامعه ۶. مدیریت اعتبار بین‌المللی و مشروعیت جهانی و ۷. ثبات سیاسی داخلی و روابط نظامی - غیرنظامی است.

جدول ۳. مفاهیم استخراج شده و کدهای مفهومی از مصاحبه (۳۰)

مقوله‌ها	کدهای مفهومی
ثبات سیاسی	پیش‌شرط حیاتی اطلاع‌رسانی موثر تقویت کننده اعتماد عمومی تضمین کننده انتقال هماهنگ پیام‌ها پایه امنیت ملی
روابط نظامی غیرنظامی	همکاری نزدیک و مستمر تبادل اطلاعات دقیق و به موقع تفکیک نقش‌های تخصصی ایجاد جبهه اطلاع‌رسانی یکپارچه
کارکردهای امنیتی	رکن اساسی امنیت نرم حافظ انسجام اجتماعی مقابله با تهدیدات روانی دشمن تقویت کننده مقاومت ملی
سازوکارهای پیشنهادی	ایجاد ساختارهای هماهنگی دائمی تضمین تبادل امن و سریع اطلاعات برگزاری آموزش‌های مشترک ارتقای سواد رسانه‌ای

جدول ۴. کدهای باز و مقوله‌های مرتبط با اطلاع رسانی رزمی

مقوله‌ها	فراوانی کدهای باز (کدهای باز + تعداد هر کد)	فراوانی کل کدهای باز (با تکرار / بدون تکرار)
امنیت عملیاتی	- حفظ اسرار (۵) - جلوگیری از افشای ناخواسته اطلاعات (۷) - رعایت ملاحظات امنیتی اطلاعاتی (۴) - امنیت عملیاتی در اطلاع‌رسانی (۶)	۴ / ۲۲
افشای کنترل شده اطلاعات	- انتشار کنترل شده اطلاعات (۸) - رعایت اصول افشا (۵) - افشای کنترل شده اطلاعات (۹)	۳ / ۲۲
مدیریت افکار عمومی	- مدیریت افکار عمومی (۱۰) - هدایت ذهنیت جامعه (۷) - تثبیت روایت‌های رسمی (۶)	۳ / ۲۳
مقابله با جنگ شناختی	- مقابله با عملیات روانی (۹) - جلوگیری از نفوذ روایت‌های دشمن (۸) - ارتقای بصیرت عمومی (۶)	۳ / ۲۳
روایت‌سازی و دیپلماسی عمومی	- روایت‌سازی هدفمند (۷) - تقویت روایت ملی (۵) - دیپلماسی عمومی (۶)	۳ / ۱۸
سواد رسانه‌ای	- آموزش سواد رسانه‌ای (۶) - تقویت توان تحلیل مخاطبان (۵) - سواد رسانه‌ای دفاعی (۴)	۳ / ۱۵
امنیت ملی	- حفظ انسجام ملی (۸) - افزایش مشروعیت (۶) - جلوگیری از بحران روانی (۵)	۳ / ۱۹
پدافند شناختی	- پدافند شناختی رسانه‌ای (۶) - جلوگیری از تسری بحران‌های رسانه‌ای (۵) - پیشگیری از بهره‌برداری دشمن (۶)	۳ / ۱۷

یافته‌های جدول نشان می‌دهد که مهم‌ترین مقوله‌ها در تحلیل داده‌ها حول محورهای امنیت رسانه‌ای، روایت‌سازی راهبردی، مشروع‌سازی اقدامات، پیوند رسانه و امنیت سایبری، اعتماد عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای و ثبات سیاسی داخلی شکل گرفته‌اند. بیشترین فراوانی کدهای باز به مقوله‌ی «امنیت عملیاتی و افشای کنترل‌شده» با ۱۴۲ کد تعلق دارد که نشان‌دهنده تمرکز بسیار بالای مشارکت‌کنندگان بر جنبه‌های فنی و راهبردی حفظ اطلاعات و مهندسی روایت است. پس از آن، مقوله‌های «پیام‌رسانی راهبردی و جنگ

روانی» با ۸۶ کد، «مدیریت اعتبار بین‌المللی و مشروعیت جهانی» با ۸۰ کد، و «ثبات سیاسی داخلی و روابط نظامی - غیرنظامی» با ۷۷ کد قرار دارند که حاکی از اهمیت تعامل رسانه‌ای چندسطحی برای مقابله با تهدیدات ترکیبی و تأمین امنیت ملی است. همچنین مقوله‌هایی چون «مشروع‌سازی اقدامات نظامی» و «اعتماد عمومی و مدیریت روحیه» نیز با فراوانی‌های بالا تأکید می‌کنند که مشروعیت‌سازی، اقناع افکار عمومی و حفظ انسجام اجتماعی از عناصر کلیدی در جنگ روایت‌ها محسوب می‌شوند. در مجموع، الگوی معنایی حاکم بر داده‌ها گویای آن است که پیام‌رسانی راهبردی زمانی موفق است که در هم‌افزایی با امنیت سایبری، روایت‌سازی داخلی و بین‌المللی، و اعتمادسازی اجتماعی حرکت کند و بتواند با تهدیدات ادراکی، روانی و اطلاعاتی دشمن به‌طور مؤثر مقابله نماید.



شکل ۱. ابعاد مختلف موضوع اطلاع رسانی رزمی

همانگونه که نمودار بالا نشان می‌دهد، اطلاع رسانی رزمی، موضوع پیچیده‌ای است که دارای ابعاد امنیت عملیاتی و افشای کنترل شده، پیام‌رسانی راهبردی و جنگ روانی، مشروع‌سازی اقدامات نظامی، جنگ اطلاعاتی و پیوند با امنیت سایبری، اعتماد عمومی و مدیریت روحیه جامعه، مدیریت اعتبار بین‌المللی و مشروعیت جهانی، ثبات سیاسی داخلی و روابط نظامی - غیرنظامی است.

کدگذاری باز یک تکنیک کیفی پایه‌ای در فراتحلیل است که برای تحلیل نظام‌مند و دسته‌بندی داده‌های مطالعات اولیه استفاده می‌شود. این روش شامل تجزیه داده‌های متنی یا مفهومی به واحدهای مجزا و اختصاص برچسب‌های توصیفی (کدها) برای شناسایی درون‌مایه‌ها، الگوها یا روابط کلیدی است. این روش به‌ویژه در فراترکیب کیفی و فراتحلیل موضوعی مفید است، جایی که پژوهشگران به جای تکیه صرف بر تجمیع آماری، به ترکیب یافته‌های چندین مطالعه می‌پردازند.

روش‌ها و مراحل کدگذاری باز در فراتحلیل؛

۱. جمع‌آوری و آماده‌سازی داده‌ها
۲. جمع‌آوری مطالعات مرتبط (مطالعات کیفی، روش‌های ترکیبی یا یافته‌های متنی از مطالعات کمی).
۳. استخراج بخش‌های معنادار (مانند یافته‌های پژوهشی، درون‌مایه‌ها یا نقل‌قول‌های شرکت‌کنندگان) برای تحلیل
۴. تولید کدهای اولیه
۵. خواندن خط به خط داده‌های استخراج‌شده برای شناسایی مفاهیم کلیدی.
۶. اختصاص کدهای توصیفی و درون‌زاد (استفاده از واژگان خود مشارکت‌کنندگان یا نویسندگان در صورت امکان) برای ثبت معنای خام داده‌ها
۷. مقایسه مستمر
۸. مقایسه کدها در بین مطالعات برای شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها.

۹. اصلاح تدریجی کدها برای اطمینان از انعکاس دقیق داده‌ها

۱۰. دسته‌بندی کدها

۱۱. گروه‌بندی کدهای مرتبط در دسته‌های گسترده‌تر (مانند "موانع پابندی"، "توانمندسازی بیمار").

۱۲. توسعه چارچوب کدگذاری برای سازماندهی درون‌مایه‌های نوظهور

۱۳. توسعه درون‌مایه‌ها

۱۴. ترکیب دسته‌ها به درون‌مایه‌های سطح بالاتر.

۱۵. تعیین روابط بین درون‌مایه‌ها برای ساخت تفسیری منسجم

۱۶. اعتبارسنجی و بازاندیشی

۱۷. استفاده از بحث همتایان یا بررسی اعضا برای افزایش اعتبار.

۱۸. ثبت فرآیند تصمیم‌گیری‌های کدگذاری برای شفافیت

بنابراین کدگذاری باز یک روش نظام‌مند و شفاف برای فراتحلیل کیفی فراهم می‌کند و به پژوهشگران امکان می‌دهد تا بینش‌های معناداری از مطالعات متنوع استخراج کنند.

با دنبال کردن مراحل ساختاریافته از کدگذاری اولیه تا ترکیب درون‌مایه‌ها پژوهشگران می‌توانند دقت و عمق تفسیری یافته‌های خود را افزایش دهند.

جدول ۵. کدگذاری باز مصاحبه‌های کارشناسان

مثال از مصاحبه‌ها	تکرار در مصاحبه‌ها	کدهای استخراج‌شده	مقوله اصلی
«افشای کنترل‌شده یعنی انتشار اطلاعات به گونه‌ای که هم افکار عمومی را آگاه کند و هم به امنیت عملیات آسیب نرساند» (متخصص ۲۴)	۱۹ بار	حفظ اسرار و اطلاعات حساس، پرهیز از آشفتگی اطلاعاتی، هماهنگی با اهداف کلان فرهنگی، انتشار هدفمند و زمان‌بندی‌شده اطلاعات، مدیریت بحران‌های اطلاعاتی، تقویت روحیه ملی، مهندسی پیام و رسانه‌ای روایت‌سازی	۱. مدیریت امنیت اطلاعات در عملیات رسانه‌ای
«پیام‌رسانی راهبردی، نوعی معماری گفتمان ملی است که جامعه را در برابر نفوذ روایت‌های بیگانه مقاوم می‌سازد.» (متخصص ۵)	۳۳ بار	تأثیرگذاری بر افکار عمومی، روایت‌سازی ملی و ضدروایت، جنگ شناختی و عملیات روانی، مدیریت ادراک جمعی، دیپلماسی رسانه‌ای، تولید محتوای اقناعی، مقابله با شایعات و اخبار جعلی	۲. جنگ روایت‌ها و عملیات روانی
«مشروع‌سازی عملیات نظامی باید بر پایه روایت مستند و قابل دفاع باشد.» (متخصص ۱۴)	۴۴ بار	شفافیت در اطلاع‌رسانی، توجیه‌پذیری عملیات برای افکار عمومی، تطابق با حقوق بین‌الملل، استفاده از چهره‌های معتبر، پاسخگویی به‌موقع، مستندسازی عملکرد نظامی	۳. مشروعیت‌سازی رسانه‌ای اقدامات امنیتی
«جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری دو روی یک سکه‌اند.» (متخصص ۱۲)	۴۵ بار	حملات سایبری و دفاع اطلاعاتی، جنگ سایبرالکترونیک، سواد رسانه‌ای و سایبری، رصد فضای مجازی، عملیات روانی در بستر دیجیتال، حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی	۴. امنیت سایبری و جنگ اطلاعاتی
«اعتماد عمومی، ستون فقرات هر نظام اطلاع‌رسانی در شرایط بحرانی است» (متخصص ۲)	۸۰ بار	شفافیت و صداقت در اطلاع‌رسانی، تقویت سرمایه اجتماعی، مقابله با بی‌اعتمادی، روان‌شناسی جمعی در بحران، ایجاد امید و انسجام ملی، ارتباط دوسویه با مردم	۵. ساخت اعتماد و تاب‌آوری روانی
«مدیریت اعتبار بین‌المللی، بازدارندگی نرم ایجاد می‌کند.» (متخصص ۶)	۶۰ بار	دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای، روایت‌سازی برای مخاطب جهانی، مقابله با پروپاگاندا، استفاده از رسانه‌های بین‌المللی، مستندسازی اقدامات نظامی، تطابق با هنجارهای جهانی	۶. اعتبارسازی بین‌المللی
«ثبات سیاسی داخلی، بستر اصلی اطلاع‌رسانی رزمی مؤثر است.» (متخصص ۲۳)	۶۰ بار	هماهنگی نهادهای نظامی و رسانه‌ای، انسجام در سیاست‌گذاری امنیتی، کاهش تنش‌های سیاسی داخلی، تقویت وحدت ملی، آموزش مشترک نیروهای نظامی و غیرنظامی، شفافیت در تصمیم‌گیری‌های امنیتی	۷. حکمرانی امنیتی یکپارچه

با تحلیل مصاحبه‌ها، هفت مقوله اصلی شناسایی شد که نشان‌دهنده ابعاد مختلف اطلاع‌رسانی رزمی و امنیت ملی است. این مقوله‌ها می‌توانند در مراحل بعدی کدگذاری محوری^۱ و گزینشی^۲ برای تدوین نظریه نهایی استفاده شوند.

مقوله‌های نهایی عبارت اند از:

۱. مدیریت امنیت اطلاعات در عملیات رسانه‌ای
۲. جنگ روایت‌ها و عملیات روانی
۳. مشروعیت‌سازی رسانه‌ای اقدامات امنیتی
۴. امنیت سایبری و جنگ اطلاعاتی
۵. ساخت اعتماد و تاب‌آوری روانی
۶. اعتبارسازی بین‌المللی
۷. حکمرانی امنیتی یکپارچه

این چارچوب می‌تواند مبنایی برای تحلیل عمیق‌تر نقش اطلاع‌رسانی رزمی در امنیت ملی باشد.

پس از استخراج مفاهیم اولیه در کدگذاری باز، مقولات عمده در کدگذاری محوری دریافت می‌شود؛ به این ترتیب، وجه اشتراک مفاهیم استخراج شده در کدگذاری باز را پیدا می‌کنیم. کدگذاری محوری یک تکنیک تحلیل کیفی میانی است که در فراتحلیل برای ایجاد ارتباط بین مقوله‌های توسعه یافته در مرحله کدگذاری باز استفاده می‌شود. برخلاف کدگذاری باز که داده‌ها را به مفاهیم مجزا تقسیم می‌کند، کدگذاری محوری این مفاهیم را با شناسایی روابط، زمینه‌ها و الگوهای بین مطالعات بازسازی می‌کند. این روش به‌ویژه در فراترکیب کیفی ارزشمند است، جایی که محققان به دنبال توسعه چارچوب مفهومی برای تبیین پدیده‌ها در چندین مطالعه هستند.

روش‌ها و مراحل کدگذاری محوری در فراتحلیل عبارت اند از:

۱ بازنگری کدهای باز

شروع با مقوله‌ها و مفاهیم تولیدشده در کدگذاری باز

شناسایی روابط بالقوه بین این مقوله‌ها

۲ شناسایی مؤلفه‌های پارادایم

تحلیل داده‌ها برای:

- شرایط علی (عوامل مؤثر بر پدیده‌ها)
- عوامل زمینه‌ای (شرایط خاص)
- راهبردها (اقدامات انجام‌شده)
- پیامدها (نتایج اقدامات)

۳ توسعه ویژگی‌های مقوله

- مشخص کردن ابعاد هر مقوله (مثلاً فراوانی، شدت)
- شناسایی تغییرات درون مقوله‌ها

1. Axial Coding

2. Selective Coding

۴ برقراری روابط

استفاده از پارادایم کدگذاری برای اتصال مقوله‌ها:

شرایط → پدیده → زمینه → راهبردها → پیامدها

ایجاد مدل‌های بصری یا نمودارها برای نمایش روابط

۵ اعتبارسنجی روابط

آزمایش روابط نوظهور با مطالعات اصلی

جستجوی شواهد تأییدکننده و ردکننده

۶ پالایش چارچوب مفهومی

تعدیل روابط بر اساس شواهد جدید

اطمینان از پوشش تمام مطالعات مرتبط توسط چارچوب

کدگذاری محوری با آشکارسازی چگونگی ارتباط مفاهیم در مطالعات مختلف، رویکردی نظام‌مند برای ساخت درک نظری در فراتحلیل ارائه می‌دهد. این روش پلی بین کدگذاری باز اولیه و کدگذاری انتخابی نهایی ایجاد می‌کند و به محققان امکان توسعه مدل‌های مفهومی مستحکم و مبتنی بر یافته‌های پژوهشی متعدد را می‌دهد.

جدول ۶. کدگذاری محوری مصاحبه‌های کارشناسان

تکرار در مصاحبه‌ها	مفاهیم کلیدی	مفهوم محوری	ردیف
۱۹ بار	حفظ اسرار و اطلاعات حساس، انتشار هدفمند اطلاعات، مدیریت جنگ روانی و رسانه‌ای، انسجام اطلاعاتی	امنیت عملیاتی و افشای کنترل‌شده	۱
۳۳ بار	تأثیرگذاری بر افکار عمومی، جنگ شناختی، روایت‌سازی و ضدروایت‌سازی، تولید محتوای اقناعی، نقش رسانه‌ها	پیام‌رسانی راهبردی و جنگ روانی	۲
۴۴ بار	توجیه‌پذیری عملیات نظامی، شفافیت در اطلاع‌رسانی، سواد رسانه‌ای دفاعی، ارتباط با مشروعیت ملی	مشروع‌سازی اقدامات نظامی	۳
۴۵ بار	جنگ سایبری، حفاظت از زیرساخت‌های دیجیتال، مقابله با حملات شناختی، هماهنگی عملیات سایبری و اطلاع‌رسانی	جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری	۴
۸۰ بار	شفافیت و صداقت، تقویت انسجام ملی، مقابله با شایعات، ارتباط دوسویه، نقش رسانه در حفظ روحیه	اعتماد عمومی و مدیریت روحیه جامعه	۵
۶۰ بار	روایت‌سازی جهانی، دیپلماسی رسانه‌ای، تطابق با حقوق بین‌الملل، استفاده از رسانه‌های واسطه	مدیریت اعتبار بین‌المللی	۶
۶۰ بار	هماهنگی نهادهای نظامی و رسانه‌ای، نقش ثبات سیاسی در امنیت ملی، اعتمادسازی، تقویت امنیت نرم	ثبات سیاسی داخلی	۷

جدول ۷. جمع‌بندی تحلیل محوری (پربسامدترین مفاهیم)

رتبه	مفهوم محوری	تکرار
۱	اعتماد عمومی و مدیریت روحیه جامعه	۸۰ بار
۲	جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری	۴۵ بار
۳	مشروع‌سازی اقدامات نظامی	۴۴ بار
۴	پیام‌رسانی راهبردی و جنگ روانی	۳۳ بار
۵	امنیت عملیاتی و افشای کنترل‌شده	۱۹ بار

جدول ۸. یافته‌های کلیدی

یافته	اهمیت (براساس تکرار)
اعتماد عمومی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه امنیت ملی	(۸۰ بار)
جنگ اطلاعاتی و سایبری به‌عنوان رکن اصلی تهدیدات مدرن	(۴۵ بار)
مشروعیت‌سازی عملیات نظامی نیازمند روایت‌سازی هوشمند و شفافیت	(۴۴ بار)
پیام‌رسانی راهبردی در جنگ روانی نقش حیاتی دارد	(۳۳ بار)
امنیت عملیاتی به‌عنوان خط قرمز در مدیریت اطلاعات حساس	(۱۹ بار)

این جداول نشان می‌دهد که ترکیب امنیت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری: همراه با مدیریت روایت و اعتماد عمومی، پایه‌های اصلی امنیت ملی در عصر حاضر هستند. پدیده محوری یا اصلی و به بیان دیگر، مقوله مرکزی، قدرت تحلیل دارد. آنچه این قدرت را به آن می‌دهد، توانایی به هم نزدیک کردن مقوله‌ها برای توضیح کل مطلب است. همچنین، مقوله مرکزی باید گوناگونی‌های درون مقوله‌ها را نیز در بر بگیرد. پدیده محوری به هسته اصلی تحقیق اشاره دارد که تمامی عناصر تحلیل حول آن سازماندهی می‌شوند. این مقوله مرکزی پیونددهنده تمامی مؤلفه‌های نظاممند در فراتحلیل کیفی است و به عنوان عامل یکپارچه‌کننده در تبیین الگوهای بین‌مطالعه‌ای عمل می‌کند.

ماهیت پدیده محوری دربرگیرنده اجزای زیر است:

۱. یکپارچه‌کننده: تمامی مقوله‌های فرعی را در یک چارچوب منسجم ادغام می‌کند
۲. تکرارشونده: در اکثر مطالعات مورد بررسی به شکل‌های مختلف ظاهر می‌شود
۳. تبیین‌کننده: قادر به توضیح تغییرات و تنوع‌های موجود در داده‌هاست.

مراحل شناسایی و توسعه پدیده محوری عبارت‌اند از:

۱. شناسایی اولیه:

- استخراج مفاهیم کلیدی از کدگذاری باز
- تعیین مفاهیمی که بیشترین تکرار را در مطالعات دارند

۲. تحلیل روابط:

- بررسی ارتباط پدیده با:
 - شرایط علی (عوامل ایجادکننده)
 - راهبردهای کنشی (واکنش‌ها)
 - پیامدهای زمینه‌ای



۳. اعتبارسنجی:

- آزمون پدیده محوری با داده‌های جدید
- بررسی سازگاری آن با تمامی مطالعات

۴. پالایش نهایی:

- توسعه ویژگی‌ها و ابعاد پدیده
- ایجاد تعاریف عملیاتی دقیق

ویژگی‌های یک پدیده محوری مطلوب شامل:

- جامعیت: توانایی پوشش دادن جنبه‌های مختلف داده‌ها
- انعطاف‌پذیری: قابلیت تطبیق با زمینه‌های مختلف مطالعاتی
- تبیین‌گری: قدرت تفسیر و پیش‌بینی پیامدها

پدیده محوری به عنوان ستون فقرات تحلیل کیفی در فراتحلیل عمل می‌کند و با ایجاد ارتباط نظام‌مند بین مقوله‌ها، امکان توسعه نظریه‌های غنی و مبتنی بر شواهد چندگانه را فراهم می‌آورد. این مفهوم نه تنها به سازماندهی یافته‌ها کمک می‌کند، بلکه عمق تفسیری تحقیق را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد.

جدول ۹. جدول پدیده محوری استخراج شده از مصاحبه‌های کارشناسان

نمونه نقل قول های مهم	تکرار در مصاحبه ها	طیف های مفهومی	مقوله سطح اول	ردیف
«افشای کنترل شده ابزاری برای هدایت افکار عمومی و مدیریت بحرانهای اطلاعاتی است» (متخصص ۴). «امنیت عملیاتی شامل حفاظت از انسجام پیامها و جلوگیری از روایتسازی دشمن است» (متخصص ۱۲). «مهندسی پیام و انتشار زمانبندی شده اطلاعات، کلید مقابله با جنگ روانی است» (متخصص ۱۳).	۱۹ بار	۱. حفظ اسرار و انسجام اطلاعاتی ۲. مقابله با جنگ شناختی ۳. مدیریت بحران‌های اطلاعاتی ۴. هماهنگی با اهداف کلان فرهنگی ۵. هدایت افکار عمومی	امنیت عملیاتی و افشای کنترل شده	۱
«پیامرسانی راهبردی، معماری قدرت نرم برای مدیریت برداشت‌هاست» (متخصص ۵). «جنگ روانی هدفش تخریب انسجام روانی جامعه است» (متخصص ۶). «اطلاع‌رسانی رزمی باید پیش‌دستانه و مبتنی بر تحلیل افکار عمومی باشد» (متخصص ۱۰).	۳۳ بار	۱. مدیریت ادراک عمومی ۲. روایتسازی ملی ۳. عملیات روانی ۴. جنگ شناختی ۵. دیپلماسی رسانه‌ای	پیامرسانی راهبردی و جنگ روانی	۲
«مشروعیت بخشی به عملیات نظامی نیازمند روایت مستند و انسانی است» (متخصص ۵). «رسانه‌ها باید منطق عملیات را با استناد به دفاع مشروع توضیح دهند» (متخصص ۱۴). «بی‌اعتمادی به رسانه‌های رسمی، خلأ اطلاعاتی را با شایعات پر میکند» (متخصص ۲۸).	۴۴ بار	۱. شفافیت و صداقت ۲. تطابق با حقوق بین‌الملل ۳. سواد رسانه‌ای دفاعی ۴. پاسخگویی به شبهات	مشروع‌سازی اقدامات نظامی	۳
«جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری دو روی یک سکه‌اند» (متخصص ۱۲). «حمله سایبری بدون روایت مستند، بازدارندگی ندارد»	۴۵ بار	۱. عملیات سایبرالکترونیک ۲. پدافند شناختی ۳. سواد رسانه‌ای/سایبری	جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری	۴

۴. روایتسازی در فضای مجازی	۱۱.	(متخصص
۵. دفاع از زیرساختهای حیاتی	«ترکیب سواد رسانهای و سایبری، تابآوری ملی را افزایش می دهد» (متخصص ۱۵).	
۱. شفافیت هوشمندانه	۸۰ بار	« اعتماد عمومی ستون فقرات امنیت نرم است» (متخصص ۲).
۲. پاسخگویی دوسویه		« مدیریت روحیه نیاز به روایتهای صادقانه و امیدآفرین دارد» (متخصص ۹).
۳. تقویت سرمایه اجتماعی		« رسانه های داخلی باید نقاط قوت و ضعف را بدون تحریف بازتاب دهند» (متخصص ۱۵).
۴. مقاومت در برابر شایعات		
۱. دیپلماسی رسانهای	۶۰ بار	«اعتبار بینالمللی بازدارندگی نرم ایجاد میکند» (متخصص ۶).
۲. مستندسازی اقدامات المللی		«روایت مشروع باید مبتنی بر حقوق بشر و دفاع مشروع باشد» (متخصص ۱۳).
۳. هماهنگی روایت داخلی و خارجی		« عدم انسجام روایت داخلی و خارجی، مشروعیت را تخریب میکند» (متخصص ۱۷).
۴. استفاده از رسانههای واسطه		
۵. تطابق با ارزشهای جهانی		
۱. هماهنگی نهادهای امنیتی	۶۰ بار	« ثبات سیاسی شرط موفقیت اطلاعاتی رزمی است» (متخصص ۱۶).
و رسانهای		« روابط نظامی غیرنظامی باید مبتنی بر اعتماد و شفافیت باشد» (متخصص ۲۲).
۲. آموزش مشترک		« تشکیل تیمهای مشترک عملیات رسانه برای پاسخگویی سریع ضروری است» (متخصص ۳۰).
۳. شفافیت در تبادل اطلاعات		
۴. حفظ انسجام ملی		

شرایط علی یا سبب ساز، معمولاً آن دسته رویدادها و وقایع است که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارد (استراوس و کربین، ۱۳۹۵: ۱۵۳)؛ علل و موجبات اصلی که پدیده مورد اکتشاف (مقوله اصلی) از آن‌ها ناشی می‌شود. از نظر متخصصان و خبرگانی که در این پژوهش به آرای آنها رجوع شده است، اینگونه استنباط می‌شود که رویدادها و وقایعی که در پدیده محوری این پژوهش تأثیرگذار است، تداعی گر نوعی وضعیت ترومایی و تهدید امنیت است که در آن، کشورها احساس شکست، احساس انزوا، احساس ناامنی، انقیاد و ترس، ناتوانی، ناکامی و ... می‌کنند.

در روش متاآنالیز، شرایط علی به عواملی یا متغیرهایی اشاره دارد که فرض می‌شود باعث یا مؤثر بر یک نتیجه خاص در مطالعات مختلف هستند. این شرایط اهمیت زیادی دارند زیرا متاآنالیز با ترکیب نتایج پژوهش‌های گوناگون، به شناسایی روابط علی یا الگوهای پایدار می‌پردازد. فهم شرایط علی شامل شناخت متغیرهای مؤثر و همچنین بررسی زمینه‌ها و سازوکارهایی است که از طریق آن‌ها این متغیرها تأثیر می‌گذارند.

بخش چگونگی علی به فرایند یا سازوکاری اشاره دارد که شرایط علی از طریق آن‌ها باعث وقوع نتیجه می‌شوند. در متاآنالیز، این به معنای بررسی متغیرهای تعدیلی یا میانجی است که مشخص می‌کنند در چه شرایطی و از چه مسیرهایی یک علت بر نتیجه تأثیر می‌گذارد. این موضوع درک عمیق‌تری فراتر از همبستگی ساده فراهم می‌کند و تفسیر دقیق‌تری از دینامیک‌های علی حاصل از ترکیب چندین مطالعه به دست می‌دهد.

مراحل تحلیل شرایط علی و چگونگی علی در پژوهش‌های متاآنالیز معمولاً شامل موارد زیر است:

۱. شناسایی متغیرهای مرتبط: پژوهشگران ابتدا متغیرهای کلیدی شرایط علی و نتایج مورد نظر را از متون تحقیقاتی که قرار است ترکیب شوند، تعریف و انتخاب می‌کنند.

۲. استخراج داده‌ها و کدگذاری: متغیرهای مربوط به شرایط علی و سازوکارهای احتمالی (مانند متغیرهای تعدیلی یا میانجی) به صورت سیستماتیک از مطالعات اولیه استخراج و کدگذاری می‌شوند تا برای سنتز کمی آماده شوند.
۳. تجمیع آماری و تحلیل: تکنیک‌های متاآنالیز مانند متاریگریسیون یا تحلیل زیرگروه به کار گرفته می‌شوند تا قدرت و ثبات روابط علی ارزیابی و فرضیات درباره چگونگی و زمان تأثیرگذاری علت‌ها آزموده شود.
۴. تفسیر مسیرهای علی: نتایج در قالب مدل‌های علی تفسیر می‌شوند و شرایطی که در آن‌ها اثرات خاص قوی‌تر یا ضعیف‌تر هستند، روشن می‌گردد و بدین ترتیب سازوکارهای علی تبیین می‌شوند.
- در نهایت، روش متاآنالیز امکان بررسی نظام‌مند شرایط علی و سازوکارهای تأثیر آن‌ها را از طریق ادغام شواهد متعدد فراهم می‌کند و بدین ترتیب اعتبار و تعمیم‌پذیری استنتاج‌های علی را افزایش می‌دهد.

جدول ۱۰. مقوله‌ها و مفاهیم شناسایی شده مرتبط با شرایط علی

نمونه‌های کلیدی از مصاحبه‌ها	تکرار در مصاحبه‌ها	طیف‌های مفهومی	مقوله سطح اول
«افشای کنترل‌شده ابزاری برای هدایت افکار عمومی و مدیریت بحران‌های اطلاعاتی است... در خدمت حقیقت و ارزش‌های اسلامی باشد» (متخصص ۴). «امنیت عملیاتی شامل حفاظت از انسجام پیام‌های داخلی و جلوگیری از روایت‌سازی دشمن است» (متخصص ۱۲).	۱۹ بار	۱. حفظ اسرار و انسجام اطلاعاتی ۲. مقابله با جنگ شناختی ۳. مدیریت بحران‌های اطلاعاتی ۴. هماهنگی با اهداف کلان فرهنگی ۵. پرهیز از آشفتگی اطلاعاتی	امنیت عملیاتی و افشای کنترل‌شده
«پیام‌رسانی راهبردی باید مبتنی بر تحلیل مخاطب و مدیریت بحران‌های رسانه‌ای باشد» (متخصص ۵). «جنگ روانی هدفش تضعیف اراده و انسجام روانی جامعه است» (متخصص ۶).	۳۳ بار	۱. روایت‌سازی ملی ۲. عملیات روانی دشمن ۳. مدیریت ادراک عمومی ۴. دیپلماسی رسانه‌ای ۵. جنگ شناختی	پیام‌رسانی راهبردی و جنگ روانی
«مشروع‌سازی نیازمند صداقت راهبردی و مستندات معتبر است» (متخصص ۵). «رسانه باید نقاط قوت و ضعف را شفاف گزارش کند تا اعتماد عمومی حفظ شود» (متخصص ۱۴).	۴۴ بار	۱. شفافیت در اطلاع‌رسانی ۲. تطابق با حقوق بین‌الملل ۳. پاسخگویی به افکار عمومی ۴. سواد رسانه‌ای دفاعی	مشروع‌سازی اقدامات نظامی
«جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری دو روی یک سکه‌اند» (متخصص ۱۲). «سواد رسانه‌ای و سایبری ستون پدافند شناختی هستند» (متخصص ۷).	۴۵ بار	۱. عملیات سایبرالکترونیک ۲. پدافند شناختی ۳. سواد سایبری ۴. روایت‌سازی در فضای مجازی ۵. مقابله با نفوذ رسانه‌ای	جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری
«اعتماد عمومی سرمایه اجتماعی است که امنیت ملی را تقویت می‌کند» (متخصص ۲). «مدیریت روحیه جامعه نیازمند روایت‌سازی هوشمندانه است» (متخصص ۱۸).	۸۰ بار	۱. شفافیت و صداقت ۲. مشارکت مردمی ۳. تاب‌آوری روانی ۴. مقابله با شایعات	اعتماد عمومی و مدیریت روحیه جامعه

۱. دیپلماسی رسانه‌ای مدیریت اعتبار بین‌المللی	۶۰ بار	«اعتبار بین‌المللی بازدارندگی نرم ایجاد می‌کند» (متخصص ۶). «روایت مشروع
۲. مستندسازی اقدامات		باید مبتنی بر حقوق بین‌الملل باشد» (متخصص ۱۳).
۳. هماهنگی روایت داخلی و خارجی		
۴. استفاده از رسانه‌های واسطه		
۵. تطابق با ارزش‌های جهانی		
۱. هماهنگی نهادها ثبات سیاسی و روابط نظامی	۶۰ بار	«ثبات سیاسی زیربنای اطلاع‌رسانی رزمی مؤثر است» (متخصص ۱۶). «روابط
۲. آموزش مشترک غیرنظامی		نظامی‌غیرنظامی باید مبتنی بر هم‌افزایی باشد» (متخصص ۲۳).
۳. اعتمادسازی		
۴. شفافیت در تبادل اطلاعات		

شرایط زمینه‌ای، موقعیت‌های خاص و ویژه‌ای است که بر راهبردها و تعاملات اثر می‌گذارد. شرایط زمینه‌ای در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آید تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورد که اشخاص با عمل / تعامل‌های خود به آنها پاسخ می‌دهند.

در روش متاآنالیز، شرایط پس‌زمینه به عوامل زمینه‌ای یا محیطی اشاره دارد که رابطه بین متغیرهای مطالعه‌شده در پژوهش‌های مختلف را شکل داده یا تحت تأثیر قرار می‌دهد. این شرایط می‌تواند شامل ویژگی‌هایی مانند مشخصات جمعیت‌شناختی، زمینه فرهنگی، تفاوت‌های طراحی مطالعه یا عوامل زمانی باشد که ممکن است روی تعمیم‌پذیری یا تنوع نتایج تأثیر بگذارد. شناسایی شرایط پس‌زمینه برای درک این که چگونه تفاوت‌های زمینه‌ای باعث تغییر در اندازه اثرهای مشاهده شده در متاآنالیزها می‌شود، ضروری است. چگونگی تأثیر شرایط پس‌زمینه به سازوکارهایی اشاره دارد که این عوامل زمینه‌ای از طریق آن‌ها بر نتایج مطالعات اثر می‌گذارند. در متاآنالیز، این موضوع معمولاً از طریق تحلیل‌های تعدیلی (moderator analyses) بررسی می‌شود تا مشخص شود که آیا و چگونه شرایط پس‌زمینه مختلف، قدرت یا جهت اثرات را در مطالعات مختلف تغییر می‌دهد. این امکان را به پژوهشگران می‌دهد تا شرایطی را شناسایی کنند که در آن یک مداخله یا متغیر موثرتر یا کمتر موثر است.

مراحل معمول در بررسی شرایط پس‌زمینه در تحقیقات متاآنالیز عبارتند از:

۱. شناسایی و مفهوم‌سازی: پژوهشگران ابتدا شرایط پس‌زمینه مرتبط را از ادبیات یا چارچوب‌های نظری که ممکن است بر اثرات مورد بررسی تأثیر بگذارند، شناسایی می‌کنند.

۲. گردآوری داده‌ها و کدگذاری: اطلاعات مربوط به شرایط پس‌زمینه به صورت نظام‌مند از مطالعات اولیه استخراج و کدگذاری می‌شود تا امکان مقایسه و تحلیل آماری فراهم گردد.

۳. ارزیابی کمی: تحلیل‌های تعدیلی یا زیرگروه انجام می‌شود تا میزان توضیح تنوع اندازه اثرها توسط شرایط پس‌زمینه در مطالعات مختلف بررسی شود.

۴. تفسیر و سنتز: یافته‌های مربوط به شرایط پس‌زمینه تفسیر می‌شود تا تغییرات در اثرات توضیح داده شده و توصیه‌های عملی یا جهت‌گیری‌های پژوهشی آینده ارائه شود.

در نهایت، درک و تحلیل شرایط پس‌زمینه در روش متاآنالیز برای توضیح چرایی تفاوت نتایج مطالعات در زمینه‌های مختلف بسیار مهم است و باعث افزایش دقت و کاربردی‌پذیری نتایج ترکیبی می‌شود.

جدول ۱۱. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط زمینه‌ای

تکرار در مصاحبه‌ها	طیف‌های مفهومی	مقوله سطح اول	ردیف
۱۹ بار	حفظ اسرار، پرهیز از آشفتگی اطلاعاتی، هماهنگی با اهداف کلان، مهندسی پیام، مدیریت بحران‌های اطلاعاتی	امنیت عملیاتی و افشای کنترل‌شده	۱
۳۳ بار	روایت‌سازی، عملیات روانی، مدیریت ادراک، جنگ شناختی، پدافند ادراکی	پیام‌رسانی راهبردی و جنگ روانی	۲
۴۴ بار	شفافیت، حقانیت عملیات، پاسخگویی، سواد رسانه‌ای دفاعی	مشروع‌سازی اقدامات نظامی	۳
۴۵ بار	عملیات سایبری، جنگ الکترونیک، پدافند سایبری، سواد رسانه‌ای و سایبری، روایت‌سازی دیجیتال	جنگ اطلاعاتی و پیوند با امنیت سایبری	۴
۸۰ بار	شفافیت، صداقت راهبردی، مشارکت مردمی، تاب‌آوری روانی، مقابله با شایعات	اعتماد عمومی و مدیریت روحیه جامعه	۵
۶۰ بار	دیپلماسی رسانه‌ای، حقوق بین‌الملل، مستندسازی، روایت‌سازی جهانی، بازدارندگی نرم	مدیریت اعتبار بین‌المللی و مشروعیت جهانی	۶
۶۰ بار	هماهنگی نهادی، اعتمادسازی، انسجام ملی، امنیت نرم، آموزش مشترک	ثبات سیاسی داخلی و روابط نظامی - غیرنظامی	۷

شرایط مداخله‌ای، شرایطی است که شرایط علی را تخفیف یا به‌نحوی تغییر می‌دهد. بررسی شرایط زمینه‌ای، ناظر بر این پرسش است که تأثیر موجبات علی و زمینه‌ای خاص، با چه عوامل عمومی محیطی تعدیل می‌شود. خبرگان مصاحبه‌شونده در پاسخ به سؤالاتی که مربوط به شرایط مداخله‌گر موثر بود، توضیحاتی دادند. در طی فرایند جمع‌آوری داده‌های مصاحبه، کدهایی از عبارات مهم آن‌ها استخراج شد و در مرحله بعدی این کدها پالایش شده و مهم‌ترین آن‌ها به عنوان کدهای نهایی شرایط مداخله‌گر در نظر گرفته شد. در جدول زیر کدهای نهایی ارائه شده است. در روش متآنالیز، شرایط واسطه‌ای به متغیرها یا عواملی گفته می‌شود که رابطه بین شرایط علی و نتایج را واسطه‌گری می‌کند. این شرایط به عنوان سازوکارها یا فرآیندهایی عمل می‌کنند که از طریق آن‌ها یک متغیر مستقل بر متغیر وابسته در مطالعات مختلف تأثیر می‌گذارد. شناخت شرایط واسطه‌ای کمک می‌کند مسیر دقیق اثرات مشخص شود و دیدی عمیق‌تر فراتر از روابط ساده علت و معلولی ارائه دهد. چگونگی تأثیر شرایط واسطه‌ای شامل شناسایی و تحلیل متغیرهای میانجی است که توضیح می‌دهند چرا و از چه فرآیندی عوامل علی به نتایج خاص منجر می‌شوند. پژوهشگران متآنالیز این شرایط را با استفاده از تحلیل‌های میانجی‌گری یا مدل‌های مسیری بررسی می‌کنند که می‌تواند شواهد مربوط به اثرات غیرمستقیم و زنجیره‌های پیچیده علی را ترکیب کند.

مراحل معمول بررسی شرایط واسطه‌ای در متآنالیز عبارتند از:

۱. شناسایی متغیرهای میانجی احتمالی: پژوهشگران ادبیات مربوطه را مرور می‌کنند تا متغیرهایی که ممکن است به عنوان واسطه بین علت‌ها و معلول‌ها عمل کنند، شناسایی کنند.
۲. استخراج و کدگذاری داده‌های مربوط به میانجی‌ها: داده‌های مرتبط با متغیرهای میانجی و مسیرهای غیرمستقیم به صورت سیستماتیک از مطالعات اولیه استخراج و کدگذاری می‌شود.
۳. ترکیب کمی با استفاده از مدل‌های میانجی‌گری: تکنیک‌های آماری مانند مدل‌یابی معادلات ساختاری متآنالیز یا متاریگریسیون به کار گرفته می‌شود تا اثرات میانجی‌گری ارزیابی و نحوه عملکرد شرایط واسطه‌ای در مطالعات مختلف بررسی شود.
۴. تفسیر مسیرهای میانجی: نتایج به گونه‌ای تفسیر می‌شود که فرآیندهایی که از طریق آن‌ها شرایط علی بر نتایج تأثیر می‌گذارند روشن گردد و این امر باعث ارتقای درک نظری و کاربردهای عملی می‌شود.

در نهایت، تحلیل شرایط واسطه‌ای در متآنالیز، فهم عمیق‌تری از سازوکارهای علی فراهم می‌کند و فرآیندهای میانجی را که علت‌ها را به نتایج متصل می‌کنند، آشکار می‌سازد.

جدول ۱۲. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط مداخله‌گر

نمونه‌های کلیدی از مصاحبه‌ها	تکرار در مصاحبه‌ها	طیف‌های مفهومی	مقوله سطح اول
متخصص ۴: «اطلاع‌رسانی رزمی باید با حساسیت بالا نسبت به صحت و انسجام محتوا صورت گیرد.»	۱۹ بار	۱. حفظ اسرار و انسجام اطلاعاتی ۲. مقابله با جنگ شناختی ۳. مدیریت بحران‌های اطلاعاتی ۴. هماهنگی با اهداف کلان ۵. حفاظت از مرزهای فکری و فرهنگی	امنیت عملیاتی و افشای کنترل‌شده
متخصص ۵: «پیام‌رسانی راهبردی باید در خدمت اهداف کلان امنیتی باشد.»	۳۳ بار	۱. روایت‌سازی ملی ۲. عملیات روانی دشمن ۳. مدیریت ادراک عمومی ۴. تقویت گفتمان رسمی ۵. جنگ ترکیبی (هیبریدی)	پیام‌رسانی راهبردی و جنگ روانی
متخصص ۱۴: «مشروعیت عملیات نظامی بدون اقناع افکار عمومی ممکن نیست.»	۴۴ بار	۱. شفافیت و صداقت راهبردی ۲. تطابق با حقوق بین‌الملل ۳. پاسخگویی به افکار عمومی ۴. سواد رسانه‌ای دفاعی	مشروع‌سازی اقدامات نظامی
متخصص ۱۲: «جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری دو روی یک سکه‌اند.»	۴۵ بار	۱. عملیات سایبرالکترونیک ۲. پدافند شناختی ۳. سواد رسانه‌ای و سایبری ۴. مدیریت حملات نرم ۵. هماهنگی فنیرسانه‌ای	جنگ اطلاعاتی و پیوند با امنیت سایبری
متخصص ۲: «اعتماد عمومی ستون فقرات امنیت ملی است.»	۸۰ بار	۱. شفافیت و پاسخگویی ۲. تقویت تاب‌آوری روانی ۳. مقابله با شایعات ۴. مشارکت مردمی	اعتماد عمومی و مدیریت روحیه جامعه
متخصص ۶: «اعتبار بین‌المللی بازدارندگی نرم ایجاد می‌کند.»	۶۰ بار	۱. دیپلماسی رسانه‌ای ۲. روایت‌سازی مبتنی بر حقوق بشر جهانی ۳. مستندسازی اقدامات ۴. استفاده از رسانه‌های واسطه ۵. تطابق با ارزش‌های جهانی	مدیریت اعتبار بین‌المللی و مشروعیت
متخصص ۱۶: «ثبات سیاسی زیربنای اطلاع‌رسانی رزمی مؤثر است.»	۶۰ بار	۱. هماهنگی نهادها ۲. انسجام ملی ۳. کاهش تنش‌های داخلی ۴. آموزش مشترک	ثبات سیاسی داخلی و روابط نظامی - غیرنظامی

پرباربردترین مقوله: اعتماد عمومی و مدیریت روحیه جامعه (۸۰ بار) نشان‌دهنده اهمیت حیاتی روان‌شناسی اجتماعی در امنیت ملی است.

رابطه جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری با مشروعیت جهانی (۴۵ و ۶۰ بار) نشان‌دهنده نقش فناوری در روایت‌سازی است.

افشای کنترل‌شده و ثبات سیاسی (۱۹ و ۶۰ بار) بر ضرورت تعادل بین امنیت و شفافیت تأکید دارند.

مدل پارادایمی استراوس و کوربین که در زمینه نظریه بنیادی توسعه یافته است، چارچوبی برای درک ساختار پدیده‌ها از طریق اجزای کلیدی شامل: شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط واسطه‌ای، استراتژی‌ها (اقدامات/تعاملات) و پیامدها ارائه می‌دهد. در میان این اجزا، استراتژی‌ها و اقدامات به پاسخ‌ها یا رفتارهای هدفمندی گفته می‌شود که افراد برای مدیریت، کنترل یا واکنش به پدیده تحت شرایط خاص انجام می‌دهند.

استراتژی‌ها و اقدامات در مدل پارادایمی نشان‌دهنده گام‌ها یا تاکتیک‌های عملی هستند که افراد یا گروه‌ها برای مقابله با موقعیت یا تأثیرگذاری بر آن به کار می‌برند. این استراتژی‌ها تحت تأثیر شرایط علی و شرایط واسطه‌ای شکل می‌گیرند و در بستر زمینه خاصی رخ می‌دهند. شناخت این استراتژی‌ها اهمیت دارد زیرا آن‌ها ارتباط بین شرایط و زمینه را با پیامدهای پدیده برقرار می‌کنند.

در کاربرد این چارچوب مفهومی در روش متاآنالیز، تحلیل استراتژی‌ها و اقدامات شامل ترکیب شواهد مربوط به مداخلات، رفتارها یا پاسخ‌های مشخص گزارش‌شده در مطالعات مختلف و بررسی نحوه تغییر آن‌ها بر اساس شرایط پس‌زمینه و شرایط واسطه‌ای است. تکنیک‌های متاآنالیز مانند تحلیل‌های تعدیلی یا تحلیل‌های زیرگروه به شناسایی این که کدام استراتژی‌ها در شرایط خاص مؤثرترند، کمک می‌کند.

مراحل متاآنالیز در ارتباط با استراتژی‌ها و اقدامات عبارتند از:

۱. شناسایی و دسته‌بندی استراتژی‌ها: پژوهشگران داده‌های مربوط به استراتژی‌ها یا اقدامات مطرح‌شده در مطالعات اولیه را به طور نظام‌مند استخراج و در قالب دسته‌بندی‌های معنادار و مطابق با چارچوب‌های نظری کدگذاری می‌کنند.

۲. ترکیب داده‌ها و محاسبه اندازه اثر: اثربخشی یا تأثیر هر استراتژی با محاسبه اندازه اثر در مطالعات مختلف سنجیده می‌شود.

۳. تحلیل تعدیلی و زیرگروه: تحلیلگران بررسی می‌کنند که اثربخشی استراتژی‌ها چگونه در زمینه‌ها، جمعیت‌ها یا شرایط مختلف تغییر می‌کند و نشان می‌دهند که شرایط پس‌زمینه یا واسطه‌ای چگونه پیامدها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۴. تفسیر و ادغام نظری: نتایج تفسیر می‌شود تا فهم بهتری از چرایی موفقیت یا شکست استراتژی‌های خاص به دست آید و به توسعه نظریه و ارائه توصیه‌های عملی کمک شود.

در نهایت، وارد کردن مفهوم استراتژی‌ها و اقدامات استراوس و کوربین به متاآنالیز امکان ترکیب ساختارمند پاسخ‌ها یا مداخلات رفتاری را در مطالعات مختلف فراهم می‌کند و درک عمیق‌تری از عملکرد این پاسخ‌ها در شرایط گوناگون ایجاد می‌کند و به پیشرفت عمل مبتنی بر شواهد و توسعه نظریه کمک می‌نماید.

جدول ۱۳. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی‌شده مرتبط با راهبردها و اقدامات

نمونه‌های کلیدی از نظرات متخصصان	تکرار در مصاحبه‌ها	تعداد طیف‌های مفهومی	طیف‌های مقوله سطح اول
تأکید بر حفظ اسرار و انسجام اطلاعاتی (متخصص ۴). مدیریت مهندسی‌شده پیام برای مقابله با جنگ نرم (متخصص ۱۲). ضرورت هماهنگی با اهداف کلان فرهنگ‌گیا‌مندی (متخصص ۱۹).	۱۹ بار	۵ طیف	امنیت عملیاتی و افشای کنترل‌شده
پیام‌رسانی راهبردی به‌مثابه معماری قدرت نرم (متخصص ۵). جنگ روانی به‌عنوان ابزار تضعیف اراده دشمن (متخصص ۶). نقش رسانه در جنگ روایت‌ها (متخصص ۸).	۳۳ بار	۵ طیف	پیام‌رسانی راهبردی و جنگ روانی
مشروعیت‌سازی مبتنی بر شفافیت و حقوق بین‌الملل (متخصص ۵). نقش سواد رسانه‌ای در پذیرش عملیات نظامی (متخصص ۱۴). ارتباط مشروعیت با امنیت روانی جامعه (متخصص ۲۸).	۴۴ بار	۴ طیف	مشروع‌سازی اقدامات نظامی

پیوند جنگ سایبری و روایت‌سازی (متخصص ۱۲). ۴۵ بار	۵ طیف	جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری
سواد رسانه‌ای و سایبری به‌عنوان پدافند شناختی (متخصص ۷). نیاز به ساختارهای یکپارچه نظامی‌رسانه‌ای (متخصص ۱۵).		
اعتماد عمومی به‌عنوان سرمایه اجتماعی (متخصص ۲). ۸۰ بار	۴ طیف	اعتماد عمومی و مدیریت روحیه جامعه
مدیریت روحیه با روایت‌های امیدبخش (متخصص ۹). خطر بی‌اعتمادی در جنگ شناختی (متخصص ۱۸).		
اعتبار بین‌المللی به‌مثابه بازدارندگی نرم (متخصص ۶). ۶۰ بار	۶ طیف	مدیریت اعتبار بین‌المللی
نقش دیپلماسی رسانه‌ای در مشروعیت‌سازی (متخصص ۷). ضرورت هماهنگی روایت داخلی و خارجی (متخصص ۱۷).		
ثبات سیاسی به‌عنوان بستر اطلاع‌رسانی مؤثر (متخصص ۱۶). ۶۰ بار	۴ طیف	ثبات سیاسی و روابط نظامی غیرنظامی
همکاری نهادهای نظامی و رسانه‌ها برای انسجام ملی (متخصص ۲۳). تهدیدات ناشی از شکاف نظامی‌غیرنظامی (متخصص ۳۰).		

۱. پرتکرارترین مقوله‌ها:

اعتماد عمومی و مدیریت روحیه جامعه (۸۰ بار) و مدیریت اعتبار بین‌المللی (۶۰ بار) بیشترین تکرار را داشتند، که نشان‌دهنده اهمیت امنیت نرم و روایت‌سازی در امنیت ملی است.

جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری (۴۵ بار) و مشروعیت‌سازی اقدامات نظامی (۴۴ بار) نیز از مفاهیم محوری در مصاحبه‌ها بودند.

۲. پیوندهای مهم:

ارتباط مستقیم بین امنیت عملیاتی و جنگ روانی (به ویژه در افشای کنترل شده).

نقش سواد رسانه‌ای به‌عنوان پل ارتباطی بین مقوله‌های مختلف (مانند مشروعیت و اعتماد عمومی).

۳. راهبردهای پیشنهادی:

ایجاد ساختارهای فرماندهی اطلاعاتی یکپارچه (متخصص ۱۲).

تقویت دیپلماسی رسانه‌ای برای مدیریت اعتبار بین‌المللی (متخصص ۷).

آموزش سواد رسانه‌ای و سایبری به‌عنوان بخشی از پدافند غیرعامل (متخصص ۱۵).

در مدل پارادایمی استراوس و کوربین، پیامدها به نتایج یا اثراتی گفته می‌شود که از استراتژی‌ها و اقدامات انجام‌شده در پاسخ به پدیده تحت شرایط خاص حاصل می‌شوند.

پیامدها به پژوهشگران کمک می‌کنند تا اثرات و اهمیت رفتارها، مداخلات یا شرایط را درک کنند و ابعاد مختلف پدیده مورد مطالعه را روشن سازند.

در چارچوب روش متاآنالیز، بررسی پیامدها شامل ترکیب نتایج متعدد مطالعات برای تعیین اثر کلی یا نتایج مرتبط با استراتژی‌ها یا شرایط علی مشخص است. متاآنالیز به

صورت کمی داده‌های مربوط به نتایج را جمع‌آوری می‌کند و به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که میزان و تداوم پیامدها را در نمونه‌ها و زمینه‌های مختلف ارزیابی کنند.

مراحل اصلی متاآنالیز پیامدها عبارتند از:

۱. شناسایی و انتخاب متغیرهای نتیجه‌ای مرتبط: پژوهشگران به طور نظام‌مند متغیرهای نتیجه‌ای گزارش‌شده در مطالعات اولیه را که پیامدهای مورد نظر را منعکس

می‌کنند، شناسایی می‌کنند.

۲. استخراج و کدگذاری داده‌ها: داده‌های مربوط به نتایج، مانند اندازه اثر یا تفاوت میانگین‌ها، به صورت منسجم استخراج و کدگذاری می‌شوند.

۳. ترکیب کمی و محاسبه اندازه اثر کلی: با استفاده از روش‌های آماری، تحلیل گران اندازه اثرهای ترکیبی را محاسبه می‌کند تا تأثیر کلی پدیده مورد بررسی بر پیامدها را برآورد نمایند.
۴. بررسی ناهمگنی و تحلیل تعدیلی: تحلیلگران با بررسی عوامل تعدیلی و تفاوت‌های زیرگروه، تغییرات پیامدها را تحلیل می‌کنند تا دلایل متفاوت بودن اثرات را در شرایط گوناگون توضیح دهند.
۵. تفسیر و ادغام نظری: نتایج تفسیر می‌شود تا پیامدهای عملی و نظری فهمیده شود و در سیاست‌گذاری، عمل و پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد.
- در نهایت، تحلیل پیامدها در چارچوب متاآنالیز، ترکیب قدرتمندی از داده‌های نتایجی فراهم می‌آورد که اثرات و اهمیت اقدامات یا شرایط را در مطالعات مختلف روشن می‌سازد و به توسعه دانش نظری و کاربردی کمک می‌کند.
- آخرین اصطلاح پارادایمی در مدل استراوس و کرین، پیامد است. پیامدها یا تبعات به ما می‌گویند که در نتیجه اعمال و تعامل‌هایی که کشورها در چنان شرایطی انجام داده‌اند یا نتوانسته‌اند در پاسخ به موقعیت خاص انجام دهند، چه اتفاقی پیش آمده یا پیش می‌آید؛ به بیان دیگر، مجموع موجبات علی و راهبردهای اتخاذ شده به چه آثار و نتایجی منتهی می‌شود.
- مصاحبه شوندگان در پاسخ به سؤالات مربوط به پیامدها، توضیحات خود را ارائه دادند. در طی فرایند جمع‌آوری داده‌های مصاحبه، کدهایی از عبارات مهم آن‌ها استخراج شد و در مرحله بعدی این کدها پالایش شده و مهم‌ترین آن‌ها به عنوان کدهای نهایی پیامدها در نظر گرفته شد. در جدول زیر منبع آن‌ها ارائه شده است. این جدول شامل ۴ مفهوم و ۲۱ کد نهایی استخراج شده از مصاحبه است.

جدول ۱۴. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با پیامدها

نمونه نقل قول های کلیدی	تکرار	در	طیف مفهومی	مقوله سطح اول	ردیف
مصاحبه ها					
«افشای کنترل شده ابزاری برای هدایت افکار عمومی و مدیریت بحران های اطلاعاتی است.» (متخصص شماره ۴)	۱۹ بار		حفظ اسرار، پرهیز از آشفتگی اطلاعاتی، هماهنگی با اهداف کلان فرهنگی	امنیت عملیاتی و افشای کنترل شده	۱
«جنگ روانی ذهن و باور مردم را هدف قرار داده است.» (متخصص شماره ۷)	۳۳ بار		مدیریت ادراک، روایت سازی هدفمند، مقابله با تهدیدات شناختی	پیام رسانی راهبردی و جنگ روانی	۲
«مشروعیت عملیات نظامی بدون روایت سازی رسانه ای ممکن نیست.» (متخصص شماره ۵)	۴۴ بار		شفافیت، تطابق با حقوق بین الملل، پاسخگویی به افکار عمومی	مشروع سازی اقدامات نظامی	۳
«جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری دو روی یک سکه اند.» (متخصص شماره ۱۲)	۴۵ بار		عملیات سایبرالکترونیک، پدافند شناختی، سواد رسانه ای و سایبری	جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری	۴
«اعتماد عمومی ستون فقرات امنیت نرم است.» (متخصص شماره ۱۵)	۸۰ بار		شفافیت، صداقت راهبردی، مشارکت مردمی، تاب آوری روانی	اعتماد عمومی و مدیریت روحیه جامعه	۵
«اعتبار بین المللی بازدارندگی نرم ایجاد می کند.» (متخصص شماره ۶)	۶۰ بار		دیپلماسی مستندسازی، هماهنگی روایت داخلی و خارجی	مدیریت اعتبار بین المللی	۶
«ثبات سیاسی بستر اصلی اطلاع رسانی مؤثر است.» (متخصص شماره ۲۳)	۶۰ بار		هماهنگی نهادها، انسجام ملی، کاهش تنش های داخلی	ثبات سیاسی و روابط نظامیغیرنظامی	۷

- پرتکرارترین مقوله:

○ اعتماد عمومی و مدیریت روحیه جامعه (۸۰ بار) با تأکید بر نقش شفافیت و سواد رسانه‌ای به عنوان پایه‌های امنیت ملی.

- کم‌تکرارترین مقوله:

○ امنیت عملیاتی و افشای کنترل‌شده (۱۹ بار) که عمدتاً بر حفظ اسرار و هماهنگی با اهداف کلان متمرکز است.

- پیوند مقوله‌ها:

○ مفاهیمی مانند جنگ روانی و امنیت سایبری به‌صورت مکمل در مصاحبه‌ها تحلیل شده‌اند.

○ مشروع‌سازی و اعتبار بین‌المللی به عنوان دو بال مشروعیت‌سازی در عرصه داخلی و خارجی مطرح شدند.

این جدول نشان می‌دهد که اطلاع‌رسانی رزمی صرفاً یک فعالیت رسانه‌ای نیست، بلکه جزئی از راهبرد کلان امنیت ملی است که از سطح عملیاتی تا سطح راهبردی را پوشش می‌دهد.

کدگذاری انتخابی، فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست. کدگذاری انتخابی، فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست. یافته‌های حاصل از استخراج داده‌ها در این پژوهش، مدلی را ارائه می‌دهد که ارتباط مرحله کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی را در الگوی پارادایمی و نظام‌مند استراوس و کربین نشان می‌دهد.

کدگذاری انتخابی مرحله‌ای مهم در نظریه بنیادی است که به یکپارچه‌سازی و بهبود دسته‌بندی‌ها برای شکل‌دادن به چارچوب نظری منسجم می‌پردازد. در کدگذاری انتخابی، پژوهشگر دسته‌بندی اصلی یا هسته‌ای را که سایر دسته‌ها را به هم مرتبط می‌کند، شناسایی کرده و آن‌ها را به صورت سیستماتیک به هم پیوند داده و اعتبارسنجی می‌کند تا توضیح واحدی از پدیده مورد مطالعه ارائه دهد.

در چارچوب روش متاآنالیز، کدگذاری انتخابی معادل ترکیب و یکپارچه‌سازی یافته‌های مطالعات متعدد برای توسعه دسته‌بندی‌ها یا ساختارهای موضوعی جامع است. این فرایند شامل پالایش دسته‌بندی‌های کلی که در مراحل قبلی مانند کدگذاری باز یا محوری شناسایی شده‌اند، از طریق مقایسه، تقابل و ادغام داده‌ها در مطالعات مختلف به منظور کشف الگوها و بینش‌های نظری کلی‌تر است.

مراحل کدگذاری انتخابی در متاآنالیز عبارتند از:

۱. شناسایی موضوعات یا دسته‌های اصلی: پژوهشگران دسته‌بندی‌های اولیه استخراج‌شده از داده‌ها را بررسی کرده و موضوع یا دسته اصلی را که بهترین یکپارچگی را بین یافته‌ها برقرار می‌کند، تعیین می‌کنند.

۲. یکپارچه‌سازی دسته‌های مرتبط: دسته‌های مرتبط به هم ادغام یا پیوند داده می‌شوند تا تکرار کاهش یافته و وضوح مفهومی افزایش یابد.

۳. پالایش دسته‌ها از طریق مقایسه: پژوهشگران به طور مستمر یافته‌ها را در مطالعات مختلف مقایسه می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که دسته‌ها سازگار، معتبر و به خوبی تعریف شده‌اند.

۴. توسعه چارچوب نظری منسجم: دسته‌های یکپارچه‌شده در ساختاری سازماندهی می‌شوند که پدیده را در زمینه‌های مختلف به طور یکپارچه توضیح دهد.

۵. اعتبارسنجی چارچوب: پژوهشگران نظریه در حال شکل‌گیری را در برابر داده‌ها آزموده و در صورت لزوم برای بهبود قدرت توضیحی و انسجام آن را اصلاح می‌کنند. کدگذاری انتخابی در متاآنالیز، سطحی بالاتر از انتزاع را فراهم می‌کند و فراتر از ترکیب توصیفی، به ادغام نظری می‌رسد؛ این امر به بینش‌های عمیق‌تر و نتیجه‌گیری‌های تعمیم‌پذیرتر منجر می‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد که در عصر حاضر، مدیریت هوشمند اطلاعات و روایت‌سازی حرفه‌ای به اندازه عملیات نظامی سستی اهمیت دارد. موفقیت در این حوزه نیازمند آموزش نیروهای متخصص، ایجاد هماهنگی بین‌نهادی و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های ارتباطی است.

جدول ۱۵. الگوی نهایی پژوهش بر اساس مولفه‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها



پیامدهای منفی	پیامدهای مثبت	استراتژی ها	پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر	شرایط علی
- تضعیف اعتماد عمومی در صورت افشای ناهماهنگ یا تأخیر در اطلاع‌رسانی - بروز شکاف‌های روایت داخلی و خارجی در صورت ضعف دیپلماسی رسانه‌ای - آسیب‌پذیری زیرساخت‌های سایبری و اطلاعاتی در نبود پدافند شناختی مؤثر - بهره‌برداری رسانه‌های دشمن از خلأ اطلاع‌رسانی به‌موقع - افزایش فشار اجتماعی و رسانه‌ای بر نیروهای مسلح در شرایط ناکارآمدی روایت - تعارض بین نهادها در مدیریت روایت‌ها و افشای اطلاعات	- افزایش سطح اعتماد عمومی به رسانه‌های داخلی و نهادهای امنیتی - ارتقاء قدرت اقناع روایت‌های رسمی در سطح ملی و بین‌المللی - تقویت انسجام اجتماعی و پایداری روانی جامعه در شرایط بحرانی - خنثی‌سازی عملیات شناختی دشمن و روایت‌سازی مخرب بیرونی - مشروع‌سازی عملیات نظامی از منظر داخلی و بین‌المللی - ارتقاء بازدارندگی نرم با تثبیت تصویر مشروع و دفاعی از نظام در سطح جهانی - افزایش ظرفیت تاب‌آوری رسانه‌ای کشور در برابر تهدیدات ترکیبی	- طراحی ساختارهای فرماندهی اطلاعاتی و رسانه‌ای مشترک بین نیروهای مسلح و رسانه‌ها - پیاده‌سازی افشای کنترل‌شده و برنامه‌ریزی‌شده اطلاعات در زمان بحران - تدوین پروتکل‌های امنیت عملیاتی برای انتشار اطلاعات - توسعه دیپلماسی رسانه‌ای فعال برای مخاطب داخلی و خارجی - آموزش گسترده سواد رسانه‌ای و سایبری در رده‌های مختلف نظامی و اجتماعی - مدیریت روایت‌ها از طریق مستندسازی، پاسخگویی و استفاده از چهره‌های معتبر - تولید محتوای اقناعی چندلایه برای مقابله با جنگ روانی و شناختی دشمن - تقویت هماهنگی بین‌نهادی و ایجاد هم‌افزایی نظامی - غیرنظامی در مدیریت رسانه‌ای	- پدیده محوری: مدیریت -مدیریت اطلاع‌رسانی رزمی در چارچوب امنیت شناختی عوامل زمینه‌ای: - شکنندگی انسجام رسانه‌ای دشمن - در شرایط بحران - فقدان رویکرد واحد بین نهاد‌های نظامی و رسانه‌ای - ضعف سواد رسانه‌ای/سایبری عمومی و نخبگانی - ناهماهنگی در روایت‌های داخلی و بین‌المللی - حساسیت افکار عمومی نسبت به عملکرد نهاد‌های نظامی - عوامل مداخله‌گر: - فشار افکار عمومی برای شفافیت در برابر محدودیت‌های امنیتی - رقابت رسانه‌ای و تسلط روایت‌های خارجی - ناتوانی در روایت‌سازی دیجیتال و مقابله با روایت‌های جعلی - خلأ آموزش تخصصی در رسانه‌های نظامی - بی‌ثباتی سیاسی داخلی و پیامدهای آن بر اطلاع‌رسانی رزمی	- گسترش جنگ‌های شناختی و اطلاعاتی در محیط‌های رزمی و رسانه‌ای - افزایش تهدیدات سایبری، حملات نرم و روایت‌سازی دشمن - ناکارآمدی روش‌های سنتی اطلاع‌رسانی در شرایط بحران - نیاز به حفظ اسرار و کنترل جریان اطلاعات حساس - بی‌اعتمادی عمومی به رسانه‌های رسمی و خلأ روایت قابل‌اقناع - ضرورت مشروع‌سازی عملیات دفاعی در افکار عمومی داخلی و جهانی

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از این پژوهش که با هدف طراحی الگوی اطلاع‌رسانی رزمی برای تأمین امنیت ملی در سازمان رزم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران انجام شد، نشان داد که اطلاع‌رسانی رزمی مفهومی پیچیده و چندلایه است که در برگیرنده عناصر متعددی چون «امنیت عملیاتی و افشای کنترل‌شده»، «پیام‌رسانی راهبردی و جنگ روانی»، «مشروع‌سازی اقدامات نظامی»، «جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری»، «اعتماد عمومی و مدیریت روحیه جامعه»، «مدیریت اعتبار بین‌المللی» و «ثبات سیاسی داخلی و روابط نظامی - غیرنظامی» است. این اجزاء که به‌صورت نظام‌مند از طریق تحلیل مصاحبه‌ها استخراج شدند، در قالب مقوله‌های محوری و پدیده مرکزی «مدیریت یکپارچه اطلاع‌رسانی رزمی در چارچوب امنیت شناختی» تلفیق گردیدند.

در مرحله نخست تحلیل، بیشترین فراوانی مفاهیم به مقوله «اعتماد عمومی و مدیریت روحیه» تعلق داشت که به وضوح اهمیت سرمایه اجتماعی را در تقویت امنیت ملی و تاب‌آوری در برابر جنگ‌های روانی نشان می‌دهد. این یافته همراستا با دیدگاه‌هایی است که بر نقش شفافیت، مشارکت مردمی، و صداقت راهبردی در افزایش اعتماد عمومی تأکید دارند (Alaa, 2023; Shi & Li, 2022). در واقع، زمانی که رسانه‌ها در بحران‌های ملی با مخاطبان خود رابطه‌ای دوسویه و مسئولانه برقرار می‌کنند، تاب‌آوری روانی جامعه تقویت و زمینه برای عملیات روانی دشمن محدود می‌شود (Elahiari et al., 2024).

دومین محور مهم، «جنگ اطلاعاتی و امنیت سایبری» بود که در اغلب مصاحبه‌ها به‌عنوان چالش بنیادین عصر جدید مطرح شد. کارشناسان تأکید کردند که در دنیای دیجیتال، روایت‌ها و اطلاعات نه تنها ابزار اطلاع‌رسانی بلکه سلاح‌های شناختی‌اند که قدرت تخریب روانی بالا دارند. این نگرانی با یافته‌های پژوهش‌هایی تطابق دارد که نشان می‌دهد حملات سایبری، ربات‌های اجتماعی، الگوریتم‌های دست‌کاری‌شده، و روایت‌های تحریف‌شده می‌توانند ساختار مشروعیت‌ساز حاکمیت‌ها را به چالش بکشند (Çetinkaya, 2024; Cucoreanu, 2024). بنابراین، ارتباط بین جنگ سایبری و جنگ ادراکی در این پژوهش با دقت شناسایی و در چارچوب «ادغام سخت‌افزار امنیتی و نرم‌افزار روایت‌سازی» تحلیل شده است.

همچنین یافته‌ها نشان داد که مشروع‌سازی اقدامات نظامی بدون شفافیت، روایت مستند، پاسخگویی رسانه‌ای و مستندسازی اقدامات نظامی، امکان‌پذیر نیست. در شرایطی که دشمنان از ابزارهای روایت‌سازی برای تحریف واقعیت‌ها استفاده می‌کنند، پاسخ نظامی نیز باید توأم با مشروعیت ادراکی و تطابق با اصول حقوق بین‌الملل باشد. این یافته با نظریات مبتنی بر نقش دیپلماسی رسانه‌ای و شفاف‌سازی در تقویت امنیت ملی همخوان است (Moghavemi, 2024; Trilokekar & El Masry, 2022). روایت‌سازی هدفمند نه تنها ابزاری برای اقناع افکار عمومی داخلی است، بلکه در سطح بین‌المللی نیز می‌تواند بازدارندگی نرم ایجاد کند (McElroy & McKee, 2023).

نکته مهم دیگر، تأکید مشارکت‌کنندگان بر مفهوم «افشای کنترل‌شده» و «امنیت عملیاتی» در اطلاع‌رسانی رزمی بود. به اعتقاد آنان، حفظ انسجام پیام‌ها و جلوگیری از انتقال اطلاعات حساس به دشمن باید همزمان با آگاهی‌بخشی عمومی و انتشار هدفمند روایت‌ها صورت گیرد. این دیدگاه با یافته‌های پژوهش‌هایی که بر تعادل میان امنیت و شفافیت تأکید دارند، همراستا است (Fattahi Zafarghandi, 2020; Maesschalck, 2024). به‌ویژه در حوزه امنیت شناختی، افشای بی‌برنامه و ناهماهنگ اطلاعات می‌تواند موجب آشفتگی ادراکی در جامعه و تسهیل روایت‌سازی دشمن شود.

از سوی دیگر، مقوله «ثبات سیاسی داخلی و روابط نظامی - غیرنظامی» به‌عنوان بستری برای اجرای مؤثر اطلاع‌رسانی رزمی شناسایی شد. یافته‌ها نشان داد که بدون هماهنگی نهادهای، انسجام سیاست‌های رسانه‌ای، آموزش مشترک میان نیروهای نظامی و رسانه‌ای و اعتماد میان نهادهای سیاسی، اطلاع‌رسانی رزمی با موفقیت همراه نخواهد بود. این نتیجه همراستا با مطالعاتی است که تأکید می‌کنند امنیت نرم نیازمند زیرساخت‌های حکمرانی پایدار و تعامل سازنده میان سطوح مختلف حاکمیت است (Akhtar, 2023; Neikova, 2024).

در نهایت، داده‌های این پژوهش نشان داد که اطلاع‌رسانی رزمی زمانی می‌تواند در برابر تهدیدات ترکیبی مؤثر باشد که بر سه ستون استوار باشد: روایت‌سازی هدفمند، امنیت سایبری هوشمند و اعتمادسازی مستمر. این سه‌گانه باید در قالب یک مدل جامع و نظریه‌مبنا طراحی شود تا بتواند ضمن مقابله با جنگ‌های روانی، مشروعیت دفاعی را تقویت، انسجام اجتماعی را حفظ و بازدارندگی نرم را محقق سازد (Belyaevskaya-Plotnik, 2025; Marushchak, 2022).

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، ماهیت کیفی داده‌ها و وابستگی به تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود که هرچند عمق تحلیلی بالایی را فراهم کرد، اما قابلیت تعمیم نتایج به همه نیروهای مسلح یا تمامی حوزه‌های امنیتی کشور را کاهش می‌دهد. همچنین، تمرکز این پژوهش بر ادراک و تجربه نخبگان میدانی ممکن است باعث شود دیدگاه‌های عمومی و تجربیات سطح عملیاتی کمتر مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر، نبود داده‌های آماری قابل اتکا درباره عملیات روانی و افکار عمومی در میدان‌های جنگ واقعی، تحلیل دقیق‌تر اثربخشی مؤلفه‌های مدل را محدود کرده است.

برای توسعه مدل ارائه‌شده، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از روش‌های ترکیبی (Mixed Methods) بهره گرفته شود تا ترکیب تحلیل‌های کیفی با داده‌های کمی، امکان سنجش اعتبار بیرونی یافته‌ها را فراهم سازد. همچنین بررسی تطبیقی الگوهای اطلاع‌رسانی رزمی در سایر کشورها (به‌ویژه در حوزه جنوب غرب آسیا و اروپای شرقی)

می‌تواند به غنای مدل مفهومی کمک کند. علاوه بر این، طراحی ابزارهای ارزیابی میزان تاب‌آوری رسانه‌ای، شاخص‌های سنجش مشروعیت دفاعی و اثربخشی روایت‌های نظامی از دیگر مسیرهای پژوهشی پیشنهادی است.

در حوزه عملی، پیشنهاد می‌شود ساختارهای رسمی برای حضور خبرنگاران نظامی در میدان نبرد طراحی و نهادینه شود تا انتقال مستقیم اطلاعات با رویکرد روایت‌سازی تقویت گردد. همچنین ایجاد مرکز فرماندهی اطلاع‌رسانی مشترک میان نهادهای نظامی، رسانه‌ای و امنیتی می‌تواند هماهنگی افقی و عمودی در پیام‌رسانی را تسهیل کند. برگزاری آموزش‌های مشترک برای افزایش سواد رسانه‌ای در سطوح فرماندهی، توسعه پروتکل‌های افشای کنترل‌شده اطلاعات، و تقویت پلتفرم‌های دیجیتال بومی برای روایت‌سازی نظامی از دیگر اقدامات پیشنهادی است. در نهایت، توجه به دیپلماسی رسانه‌ای بین‌المللی برای مشروع‌سازی اقدامات نظامی در سطح جهانی، از ضرورت‌های راهبردی دوران معاصر است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Summary

Introduction

In recent decades, the boundaries of warfare have dramatically shifted beyond conventional military confrontations, evolving into complex battles waged across cognitive, psychological, and informational domains. This transformation is largely driven by the rise of hybrid warfare, digital media, and strategic narrative manipulation, all of which have become essential instruments in modern national security doctrine. In this multidimensional battlefield, combat information dissemination (CID) emerges as a pivotal strategic tool, not merely for transmitting updates from the frontlines but for shaping public perception, reinforcing legitimacy, and fostering psychological resilience among national populations (Belyaevskaya-Plotnik, 2025).

The Islamic Republic of Iran, despite possessing substantial wartime communication experience during the Iran-Iraq War and subsequent regional crises in Syria and Iraq, currently lacks a coherent and theorized model for combat information

dissemination within the operational structure of its armed forces. This gap has grown increasingly critical as Iran's adversaries deploy sophisticated psychological operations, narrative construction techniques, and cyber tools aimed at undermining the morale of Iranian forces and the legitimacy of the state itself (Akhtar, 2023; Cucoreanu, 2024). In such an environment, an integrated CID framework becomes indispensable—not just to neutralize the enemy's narrative but also to project a strategic message that aligns with Iran's defensive objectives and national values (Maesschalck, 2024).

Scholarly debates highlight that in the age of digital disruption, national security is no longer defined solely by military hardware or territorial integrity, but by a nation's capacity to manage the information sphere, win the battle of narratives, and preserve internal cohesion (Çetinkaya, 2024; Mankoff, 2022). Theories of securitization, framing, and strategic communication provide critical insights into how media content—particularly during military operations—can shape threat perception, mobilize collective action, and legitimize extraordinary measures. From this standpoint, CID serves as a nexus of military action and media logic, where information becomes both weapon and shield.

In addition, the impact of global digital surveillance, manipulation of online discourse through bots and algorithms, and the weaponization of cyberattacks place national decision-makers under unprecedented pressure to institutionalize defensive information strategies (Cucoreanu, 2024; McElroy & McKee, 2023). This reality demands not only technological capability but also a model that integrates real-time data management, narrative consistency, and institutional coordination. Moreover, Iran's unique geopolitical position and ideological posture necessitate a CID model that reflects indigenous values while being robust enough to withstand global media confrontation (Alaa, 2023; Shah Rezai, 2024).

Consequently, this study aims to fill the theoretical and practical gap by developing a grounded, indigenous model of combat information dissemination for Iran's armed forces. Drawing upon in-depth qualitative inquiry and expert interviews, the study identifies key dimensions of CID that are critical for enhancing Iran's defensive soft power, mitigating the effects of hybrid warfare, and ensuring psychological resilience and public trust (Elahiyari et al., 2024; Neikova, 2024).

Methods and Materials

This study employed a qualitative research methodology using grounded theory to explore and construct a CID model tailored to the operational context of the Iranian armed forces. Data were collected through in-depth, semi-structured interviews with 30 subject-matter experts including military commanders, media specialists, security analysts, and university professors. The interview protocol was designed to explore their experiences and viewpoints regarding the existing gaps and requirements in Iran's military communication during combat.

Interview data were systematically coded using Strauss and Corbin's (1998) three-stage grounded theory coding method: open coding, axial coding, and selective coding. The software MAXQDA was used for data management and conceptual mapping. Through iterative comparison and categorization, recurring themes and core constructs were identified, leading to the formulation of a central theoretical model of CID.

Findings

The data analysis revealed seven core dimensions that constitute an effective CID model: (1) operational security and controlled disclosure, (2) strategic messaging and psychological warfare, (3) legitimization of military actions, (4) information warfare and cyber defense, (5) public trust and morale management, (6) international reputation and soft deterrence, and (7) political stability and civil-military media coordination.

Among these, public trust and morale management emerged as the most frequently cited construct, underscoring the critical role of transparent, yet strategic, communication in fostering national resilience. The majority of interviewees emphasized the need for message clarity, ethical integrity, and emotional resonance in media content during wartime.

Cybersecurity and information warfare ranked as the second most frequent category, reflecting the growing threat landscape associated with digital infiltration, algorithmic manipulation, and hostile narrative construction. Experts highlighted the inseparability of cyber defense and media strategy in contemporary military environments.

The findings also showed that the legitimization of military operations relies heavily on timely and credible media framing, especially when international human rights norms and geopolitical scrutiny are considered. Experts stressed the importance of using verified documentation, humanizing content, and coordinated messaging to reinforce the moral foundations of military engagements.

Another critical insight was the demand for institutional coherence between military communication units, state media, and intelligence branches. Lack of inter-agency coordination was identified as a key vulnerability in Iran's current information operations. Participants advocated for the establishment of integrated information command centers and joint training programs for military and media personnel.

Moreover, the data supported the necessity of constructing globally competitive narratives capable of countering adversarial propaganda. International media diplomacy, narrative framing in line with cultural values, and multilingual content dissemination were mentioned as practical strategies for shaping global perceptions and soft deterrence.

Finally, the central phenomenon identified was the "integrated management of combat information dissemination within the framework of cognitive security," reflecting the interdependence of narrative, psychology, and strategic communication in the defense architecture.

Discussion and Conclusion

The results of this study confirm that combat information dissemination is no longer a peripheral or tactical function but a strategic imperative in national defense. The integration of psychological resilience, narrative warfare, and media diplomacy underscores the reality that future conflicts are as much about perception and belief as they are about territory or firepower. In this respect, CID becomes an essential tool for both offensive and defensive operations in the information domain.

The prominence of public trust in the findings reflects a paradigm shift in security thinking—from controlling information flow to actively engineering public perception. Transparency, when managed strategically, strengthens the social contract and mitigates the societal fragmentation that adversarial psychological operations seek to induce. This calls for an ethical yet calculated approach to media engagement that prioritizes both national security and civic confidence.

The salience of cybersecurity and information warfare in the model demonstrates how digitalization has blurred the boundaries between traditional military and informational theaters. Military effectiveness now requires not just battlefield superiority but also digital literacy, cyber defense infrastructure, and readiness for media-based confrontations. The fusion of cyber capabilities with strategic messaging offers a holistic defense posture suitable for hybrid threats.

Another crucial contribution of the study is the emphasis on inter-institutional coordination. The lack of synergy between security agencies and media entities weakens the consistency of official narratives and creates space for misinformation to proliferate. By institutionalizing coordination and fostering shared training programs, CID can evolve into a more resilient and unified national mechanism.

Finally, the model developed in this study proposes that the success of CID relies not merely on reactive information flow but on proactive narrative construction, strategic framing, and public engagement. This approach elevates CID from a communication function to a doctrine of cognitive defense—an essential pillar in the architecture of national security in the 21st century.

References

- Akhtar, N. (2023). Emerging Cyber Security Challenges: Implications for Iranian National Security. *BTTN Journal*, 2(2), 83-106. <https://doi.org/10.61732/bj.v2i2.58>
- Alaa, A. L. N. (2023). Iranian National Security: Repercussions of Negotiations With the Great Powers. *The International and Political Journal*(56), 497-522. <https://doi.org/10.31272/ipj.i56.263>
- Belyaevskaya-Plotnik, L. (2025). Threats to National Security in the Context of Digital Transformation of the Economy and Public Administration. *National Interests Priorities and Security*, 21(2), 65-76. <https://doi.org/10.24891/ni.21.2.65>
- Çetinkaya, Ş. (2024). Analysing the Effects of Cyber Security on National Security From a Realist Perspective: "Stuxnet" Example. *Güvenlik Çalışmaları Dergisi*, 26(1), 38-51. <https://doi.org/10.54627/gcd.1443278>
- Cucoreanu, C. (2024). Cyber Risks to National Security: Manipulation of the Electoral Process Through the Use of Bots and Algorithms on Social Platforms. *European Journal of Law and Public Administration*, 11(2), 226-236. <https://doi.org/10.18662/eljpa/11.2/244>
- Elahiyari, M., Sazmand, B., & Roshad, M. (2024). Examining the Impact of Good Governance Components on Sustainable National Security: Emphasizing Iran's Governance Experience (1989-2021). *Contemporary Political Studies*, 15(4).
- Fattahi Zafarghandi, S. (2020). Prevention of Cyber Espionage Crimes in the Armed Forces and Its Role in Ensuring the Right to Security. *Biannual Journal of Islamic Human Rights Studies*, 9(18).
- Lakušić, M. (2022). National Security and the Challenges of the Digital Age. *Megatrend Revija*, 19(3), 145-154. <https://doi.org/10.5937/megrev2202145l>
- Maeschalck, S. (2024). Gentlemen, You Can't Fight in Here. Or Can You?: How Cyberspace Operations Impact International Security. *World Affairs*, 187(1), 24-36. <https://doi.org/10.1002/waf2.12004>
- Mankoff, J. (2022). *Empires of Eurasia: How Imperial Legacies Shape International Security*. <https://doi.org/10.12987/9780300265378>
- Marushchak, A. (2022). Prerequisites for the Legal Mechanisms Development to Combat Disinformation in Social Media in the Context of National Security: Problem Statement. *Information and Law*(1(40)), 82-88. [https://doi.org/10.37750/2616-6798.2022.1\(40\).254345](https://doi.org/10.37750/2616-6798.2022.1(40).254345)
- McElroy, S., & McKee, L. (2023). Developing Privacy Incident Responses to Combat Information Warfare. *International Conference on Cyber Warfare and Security*, 18(1), 256-263. <https://doi.org/10.34190/iccws.18.1.958>
- Moghavemi, A. R. (2024). Analyzing the Impacts of Al-Aqsa Storm on Israel's National Security. *Strategic Environment Journal of the Islamic Republic of Iran*, 8(1), 9-48.
- Neikova, M. (2024). Illegal Migration as a Risk Factor and Potential Threat to Bulgarian National Security. *Strategies for Policy in Science and Education-Strategii Na Obrazovatelna I Nauchna Politika*, 32(4s), 83-88. <https://doi.org/10.53656/str2024-4s-8-ill>
- Ramak, M., Velavi, M., & Hosseini, M. (2019). Research Article: Providing a Strategic Model for International Cooperation to Enhance Cybersecurity Based on National Interests of the Islamic Republic of Iran and Combating Cybercrimes. *National Security*, 33, 273-314.
- Shah Rezai, M. H. (2024). *The Impact of the Abraham Accords on the National Security of the Islamic Republic of Iran* Islamic Azad University, Khorasgan Branch.
- Shi, W., & Li, B. (2022). In the Name of National Security: Foreign Takeover Protection and Firm Innovation Efficiency. *Global Strategy Journal*, 13(2), 391-419. <https://doi.org/10.1002/gsj.1440>
- Trilokekar, R. D., & El Masry, H. (2022). The Nexus of Public Diplomacy, Soft Power, and National Security: A Comparative Study of International Education in the U.S. and Canada. *Journal of Comparative & International Higher Education*, 14(5), 111-133. <https://doi.org/10.32674/jcihe.v14i5.4987>
- Zarneshan, S. (2007). The Security Council and State Obligations to Combat Terrorism. *Legal Journal*(36), 57-94.